

منجی

سال هشتم / شماره ۳۲ / بهار ۱۳۹۶ / ۵۰۰۰ تومان

- نوروز
- سیره علماء در خانواده
- صهیونیسیم مسیحی
- از کعبه تا محراب
- مدعیان دروغین
- فراز چهارم زیارت آل یاسین
- ویژه نامه
- خانواده‌ی مهدوی
- در سایه سار معرفت
- منجی در ادیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ
يَا مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ خَلِّصْنَا



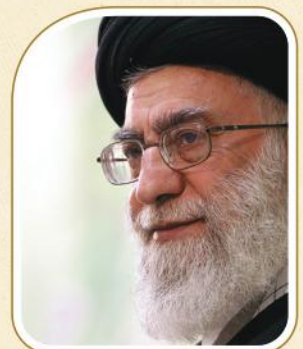


خواهد رسید...

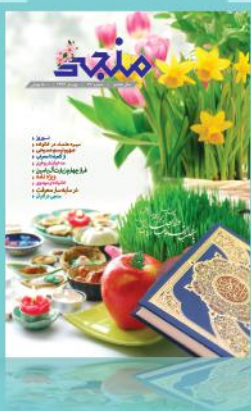
دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره‌ی حق، همه‌ی قله‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد
و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد؛

معنای انتظار دوران امام زمان این است.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰



السلامة للجميع



فصلنامه منجی / بهار ۱۳۹۶ / شماره ۳۲

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس

مدیر مسئول: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا حدائق

سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق

هیأت تحریریه: خانم ها نادری، سوداگر، ترفیعی، مهرخو، ابراهیمی، فرجی، صادقی زاده

طراح و گرافیک: سیدمحمد رضا نصیحت کن

شیراز، کوی زهرا علیها السلام، نبش کوچه ۸، روبروی دبستان شهیدان اتحادی، بنیاد و مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس، معاونت فرهنگی



از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع مهدوی به سایت www.bonyadmahdavi.com مراجعه نمایید

فهرست مطالب

- ۴ سخن سردبیر
- ۵ روز شمار تاریخ
- ۶ زیارت آل یاسین، فراز چهارم (قسمت اول)
- ۸ نوروز
- ۱۰ آسیب های اجتماعی شبکه های ماهواره ای
- ۱۳ ره یافتگان
- ۱۴ این الرجبیون
- ۱۵ سیره علماء در خانواده
- ۱۶ صهیونیسم مسیحی
- ۱۸ از کعبه تا محراب
- ۲۰ پرسش و پاسخ
- ۲۱ پیام بعثت
- ۲۲ قدم قدم تا خدا
- ۲۴ مثل قیامت
- ۲۶ مدعیان دروغین
- ۲۷ ویژه نامه:
- ۲۷ شعبان
- ۲۸ مضطر، منصور، مهدی
- ۳۰ أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقاً وَخُلُقاً وَمَنْطِقاً بِرَسُولِ اللَّهِ
- شعر (شمیم گل، مشعل افروز شب ظلمت، دلبر جانان)
- ۳۱ سبک زندگی مهدوی
- ۳۲ حکومت جهانی
- ۳۴ رمضان
- ۳۶ مرد لطیفه گو
- ۳۷ خانواده ی مهدوی
- ۳۸ شب قدر
- ۴۰ در سایه سار معرفت
- ۴۲ کودک بیش فعال
- ۴۳ منجی در ادیان
- ۴۴ تغذیه و سلامت
- ۴۶ اخبار بنیاد
- ۴۷ گزارش عملکرد (لارستان)
- ۴۸ سؤالات مسابقه شماره ۳۲
- ۴۹ پاسخ نامه و اعلام برندگان و دلنوشته ی برتر
- ۵۰

سخن سردبیر

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ [اللَّهُ] وَبِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ.

ترجمه: به وسیله شما خدا آغاز کرد و به وسیله شما، خدا پایان می بخشد و بخاطر شما باران نازل می شود و به وسیله شما است که خدا، آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد، نگاه می دارد.

(فرازی از زیارت جامعه کبیره)

مهدویت رمز حیات

مباحث مهدوی به مانند آب حیاتی است که به وسیله آن می توان دل های مرده ی هر کسی را زنده و بیدار کرد و مهم ترین موضوع در مجموعه ی معارف مهدوی که باید از آن به ستون فقرات این مباحث یاد کرد، وجود مبارک حضرت حجت علیه السلام، جایگاه و کارکردهای امامت و وظائف امت در برابر ایشان است و بقیه ی مباحث در پیرامون این بحث قرار می گیرد.

در این خصوص، مهم ترین مطلبی که قبل از مطرح نمودن سایر مطالب باید پیرامون آن بحث نمود، تبیین صحیح ضرورت معرفت به امام زمان علیه السلام است؛ به نحوی که مخاطب، این ضرورت را نه فقط با عقل، بلکه با قلب خود نیز درک کند و در او انگیزه ی کافی برای پیگیری و آموختن معارف تا آخرین حد آن به وجود آید.

همواره امیدواریم با این نوشتار که حاصل زحمت گروه فرهنگی بنیاد و مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام می باشد، به این هدف نزدیک شده باشیم. باشد که مقبول حضرتش قرار گیرد. ان شاء الله



۲۲ جمادی الثانی:
۱ فروردین ۹۶۱



۹۶/۲/۱۲؛ پنجم شعبان: در این روز، امام زین العابدین (علیه السلام) با تولد خود، خانه‌ی باصفای امام حسین (علیه السلام) را پر نور کرد^{۱۱}. مصادف با شهادت استاد مطهری و روز معلم.

۹۶/۲/۱۸؛ یازدهم شعبان: در سال ۳۳ هـ در چنین روزی، شبیه‌ترین مردم به خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله)، حضرت علی اکبر، فرزند امام حسین (علیه السلام) در مدینه متولد شدند^{۱۲}. (روز جوان)

۹۶/۲/۲۲؛ پانزدهم شعبان: در سال ۲۵۵ هـ شب جمعه نیمه‌ی شعبان در منزل امام حسن عسکری (علیه السلام) در سامرا، حضرت بقیةالله‌الاعظم، خاتم‌الوصیاء چشم به جهان گشودند و زمین را به قدوم خود متبرک فرمودند^{۱۳}.

۹۶/۳/۱۴ سالروز وفات امام خمینی (ره)، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران.



۹۶/۳/۱۵؛ دهم رمضان: در سال دهم بعثت، حضرت خدیجه کبری همسر با وفا و حامی همیشگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مکه، دار فانی را وداع گفتند^{۱۴}. سالروز بزرگداشت قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲.

۹۶/۳/۲۰؛ پانزدهم رمضان: در سال سوم هـ در شب نیمه رمضان، حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) امام دوم شیعیان در مدینه، در خانه‌ی امامت چشم به جهان گشودند^{۱۵}.

۹۶/۳/۲۲؛ هفدهم رمضان: پس از بعثت و بنا بر بعضی اقوال، ۱۲ سال قبل از هجرت در شب ۱۷ رمضان حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به قدرت پروردگار به معراج رفتند^{۱۶}.

۹۶/۳/۲۴؛ نوزدهم رمضان: در سال ۴۰ هـ در سحرگاه ۱۹ رمضان در مسجد کوفه، حین نماز صبح، فرق مبارک مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) به دست ناپاک ابن ملجم مرادی با شمشیر زهر آلود شکافته شد^{۱۷}.

۹۶/۳/۲۶؛ بیست و یکم رمضان: در شب ۲۱ رمضان سال چهارم هجری، حضرت امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب (علیه السلام) در سن ۶۳ سالگی در اثر ضربت شمشیر ابن ملجم مقارن طلوع فجر، به شهادت رسیدند^{۱۸}.

پی نوشت:

- | | |
|--|---------------------------------------|
| (۱) بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۱۲ و ۲۱۳. | (۱۱) مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۲۱۱. |
| (۲) همان، ج ۵۰، ص ۱۱۴ و ۱۱۷. | (۱۲) بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۷ تا ۱۴. |
| (۳) همان، ج ۵۰، ص ۷-۱۴. | (۱۳) مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۴۱۳. |
| (۴) همان، ج ۳۵، ص ۷ و ۸. | (۱۴) بحار الأنوار، ج ۵۱. |
| (۵) مستدرک سفینه البحار، ج ۴، ص ۳۱۶. | (۱۵) مسار الشیعه، ص ۶ و ۷. |
| (۶) بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۶۹. | (۱۶) بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۵۰. |
| (۷) همان، ج ۴۸، ص ۱ و ۲۰۶؛ ج ۹۹، ص ۲۵. | (۱۷) همان، ج ۱۸، ص ۳۰۲. |
| (۸) همان، ج ۱۹، ص ۲۴ و ۲۵. | (۱۸) همان، ج ۴۲، ص ۱۹۹. |
| (۹) همان، ج ۱۸، ص ۱۸۹ و ج ۹۴، ص ۳۷ و ۵۱. | (۱۹) همان، ج ۹۵، ص ۱۹۶. |
| (۱۰) همان، ج ۴۴، ص ۲۰ تا ۲۰۲. | |

۹۶/۱/۱۰؛ یکم رجب: در سال ۵۷ هـ رجب جمعه اول رجب حضرت امام محمدباقر (علیه السلام) در مدینه متولد شدند. معروف‌ترین لقب ایشان، «باقر العلوم» به معنای «شکافنده‌ی علم‌ها» است^۱.

۹۶/۱/۱۲؛ سوم رجب: در سال ۲۵۴ هـ امام علی النقی (امام هادی) (علیه السلام) در چنین روزی در سن ۴۱ سالگی توسط معتز خلیفه‌ی عباسی مسموم و در سامرا به شهادت رسیدند^۲.

۹۶/۱/۱۹؛ دهم رجب: در سال ۱۹۵ هـ در این روز، امام جواد (علیه السلام) در مدینه متولد شدند^۳.

۹۶/۱/۲۲؛ سیزدهم: در سال سی ام عام الفیل روز جمعه ۱۳ رجب، حضرت علی (علیه السلام) در خانه‌ی کعبه متولد شدند و سه روز در کنار مادر بزرگوارشان در خانه‌ی کعبه مهمان اختصاصی خداوند بودند. وجود ایام البیض نیز به همین مناسبت است که بسیاری از مسلمانان، ۱۳ تا ۱۵ رجب را به اعتکاف در مساجد می‌پردازند^۴.

۹۶/۱/۲۴؛ پانزدهم رجب: در سال ۶۲ هـ در چنین روزی، وفات مظلومانه و غریبانه‌ی عقیده‌ی بنی هاشم، حضرت زینب کبری (علیه السلام) به وقوع پیوست^۵.

در سال دوم هجری در این روز، هنگام نماز ظهر در مسجد بنی سالم مدینه، به فرمان پروردگار، قبله از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر پیدا کرد و پس از آن، این مسجد «ذوقبلتین» نامیده شد^۶.

۹۶/۲/۳؛ بیست و پنجم رجب: در سال ۱۸۳ هـ در چنین روزی، امام موسی کاظم (علیه السلام) در سن ۵۵ سالگی به دستور خلیفه‌ی ملعون هارون الرشید مسموم و در بغداد به شهادت رسیدند^۷.

۹۶/۲/۴؛ بیست و ششم رجب: در سال دهم بعثت در چنین روزی، حضرت ابوطالب در سن ۸۰ سالگی وفات کردند^۸.

۹۶/۲/۵؛ بیست و هفتم رجب: در سال ۴۰ عام الفیل در چنین روزی حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) به پیامبری برگزیده شدند^۹.

۹۶/۲/۱۰؛ سوم شعبان: در سال ۴ هـ در این روز، حضرت حسین بن علی (علیه السلام) امام سوم شیعیان و سالار شهیدان و سرور جوانان بهشت در مدینه در خانه‌ی پرنور حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه‌ی زهرا (علیه السلام) چشم به جهان گشود^{۱۰}. روز پاسدار.



۹۶/۲/۱۱؛ چهارم شعبان: در چنین روزی، حضرت ابوالفضل العباس فرزند رشید امام علی (علیه السلام) در مدینه چشم به جهان گشود^{۱۱}. روز جانباز، مصادف با روز کارگر.



در مباحث گذشته فزاینده‌ای از این زیارت را مورد بررسی قرار داده و عرض کردیم که زیارت آل یاسین حاوی یک دوره کامل معرفت امام شناسی می باشد و برای شناخت بیشتر ائمه، باید به روایات این انوار مقدسه مراجعه کنیم.

امام در این فقره از زیارت، دو مطلب را متذکر شده‌اند:

۱- منصب خلیفه الهی ائمه و اولیاء، که این ها جانشینان خداوند در روی زمین هستند.

۲- ائمه طاهریں یاوران حقیقی و مددکاران واقعی دین خدا هستند «ناصر حق».

در ادعیه، تعبیر به خلیفه خدا نسبت به ائمه خصوصاً امام عصر به دفعات متعدد بیان شده به طور مثال:

۱. **خَلَفْتُكَ فِي بِلَادِكَ** ؛ خلیفه ی خدا بر خلق تو.

۲. **اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللّٰهِ وَ خَلِیْفَةَ اَبَائِهِ اِمَّهْدِیْنَ** ؛ سلام بر تو ای خلیفه ی خدا و جانشین پدران خود که همه رهبران خلق به سوی خدا بودند.

۳. **خَلِیْفَتُهُ عَلٰی خَلْفِهِ وَ عِبَادِهِ** ؛ خلیفه ی خدا بر خلق و بندگان خدا.

۴. **وَ خُلَفَائِكَ فِي اَرْضِكَ الَّذِیْنَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلٰی عِبَادِكَ** ؛ خلیفه های تو بر روی زمین بزرگوارانی هستند که آنها را برای خود برگزیدی و بر تمام بندگان برتری دادی. اصلاً یکی از ضروریات طرح مباحث مهدوی همین است که مهدویت، رمز شناخت خلیفه الهی است.

امام زمان علیه السلام در دعای رجبیه، به یکی از ثواب اربعه^۵، همین جمله «خلیفه الله» را تعلیم فرمودند، که در ماه رجب این گونه ما را زیارت کنید

این کلام بسیار سنگین است و برای روشن شدن آن، باید حوصله بیشتری به خرج داد، اگر این کلام از لسان مبارک امام زمان علیه السلام صادر نشده بود، شاید بیانش نیز جایز نبود.

در زیارت رجبیه، امام زمان علیه السلام در یکی از جمله هایی که برای شناساندن مقام اولیاء، تعلیم دادند، می فرمایند: «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا اِلَّا اَنْهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ» ؛ خدایا! فرقی بین شما و بین اولیای شما نیست، مگر در اینکه اولیای شما مخلوقند و شما خالق».

این بیان، کلام سنگینی است؛ یعنی اولیا در تمام صفات الهی مشارکت دارند و «خلیفه الله» بودن، یعنی همین. خدا رازق است، این بزرگواران نیز جلوه ای از رزاقیت خداوند هستند.

خدا ستار العیوب است، این ها نیز جلوه ای از ستار العیوبی خداوند هستند.

خدا کریم است، این ها نیز جلوه ای از کرم الهی هستند. خلاصه اینکه، بر روی هریک از صفات الهی دست بگذارید، جلوه و شعبه ای از آن را در ائمه می بینید، فقط تفاوت آنها این است که آنان مخلوق اند و خداوند خالق است.

البته با مشاهده برخی از انسان هایی که خلیفه الله نیستند، این مقام برای ائمه زیاد هم تعجب آور نیست. مثلاً با دیدن شخصیت هایی همچون حاج شیخ حسنعلی نخودکی، یا شخصیت هایی که در عالم مکاشفات یا کرامات یا شواذ طبیعت، کارهایی می کردند که تصوّرش هم برای دیگران سخت بود. این ها تربیت-یافتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام بودند. مشهور است که حاج شیخ حسنعلی اصفهانی دانه انجیری برداشته و به آن دعایی می خواند، سپس این انجیر دعاخوانده را به فردی سرطانی می خوراند و آن شخص با خوردن آن شفا می یافت.

این مطالب استبعادی ندارد؛ چراکه اگر انسان بندهی خدا شد، خداوند می فرماید: ما تفویض ولایت می کنیم.

برای توضیح این مطلب، ذهن عزیزان را به شبیه این آیات در قرآن ارجاع می دهیم. خداوند در چند آیه از قرآن کریم این وعده را داده و در احادیث و ادعیه نیز به این مضامین اشاره

زیارت آل یاسین

فراز چهارم

اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللّٰهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ

سلام بر تو ای جانشین پروردگار، و ای یاری کننده ی حق خدا

شده است.

خداوند می فرماید:

«إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ «فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود.»

چو خواهد که خلقت نماید خدا

بود امر او نافذ اندر قضا

چو فرمان دهد باش، خود می شود

که فرمان او هر کجا می رود

پول، مقام، طیّ الأرض و ... چیست؟ شما بندگی کنید و بنده ای شوید که من می خواهم، من همه چیز را در دامن شما می ریزم.

از شما می پرسم: آیا خداوند قدرت دارد مرده را زنده کند؟ آیا این کار از خدا برمی آید؟ قطعاً جواب مثبت است. خداوند همین قدرت را به بندگان خودش می دهد.

با این بیان، پاسخ برخی که به روضه حضرت زهرا(ع) اشکال وارد کرده و می گویند:

چگونه ممکن است زهرايي که از دنيا رفته و علی(ع) او را غسل داده و کفن کرده، در آن لحظه آخر که می خواهد بند کفن را ببندد، فرزندان را صدا می زند تا با مادرشان خداحافظی کنند. وقتی فرزندان حضرت زهرا(ع) روی سینه مادر افتادند، علی(ع) خدا را شاهد می گیرد و می گوید:

ناگهان دیدم بدن فاطمه حرکت کرد و دست های زهرا(ع)

از کفن خارج شد. چگونه چنین چیزی ممکن است؟

اما این زهراي مرضيه(ع) است که مقام عصمت کبرای هستی را دارد. از این مقام بزرگ که بگذریم، مثال هایی در تفویض ولایت الله هم داریم.

خداوند می فرماید:

ما ولایت خودمان را تفویض می کنیم و آن را به شما می دهیم؛ چون شما زنده و جاوید هستید و خدا ازلی است

و چون خدا ابدی است، شما هم می مانید.
مرحوم آیت الله العظمی بروجردی را غسل دادند، یکی از علما می گوید:

من درون قبر رفتم تا آیت الله بروجردی را تلقین بدهم. دست زدم به روی شانه آیت الله بروجردی و گفتم: «اسمع، افهم یا محمدحسین». از بدن آیت الله بروجردی صدا بلند شد و همان کلمات را تکرار کرد.

این ها که خلیفه الله نبودند، این ها ریزه خواران سفره ی خلیفه الله بودند. این ها کسانی بودند که پای سفره و خوان خلیفه الله تربیت شدند. شخصیتی مثل آیت الله بروجردی که این گونه عمل می کند، دیگر مقام خلیفه الله نگفتنی است.

منبع:

کتاب زیارت آل یاسین ج ۱، حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علیرضا حدائق

(۱) دعای بعد از زیارت آل یاسین؛

(۲) مفاتیح الجنان، زیارت دیگری از حضرت.

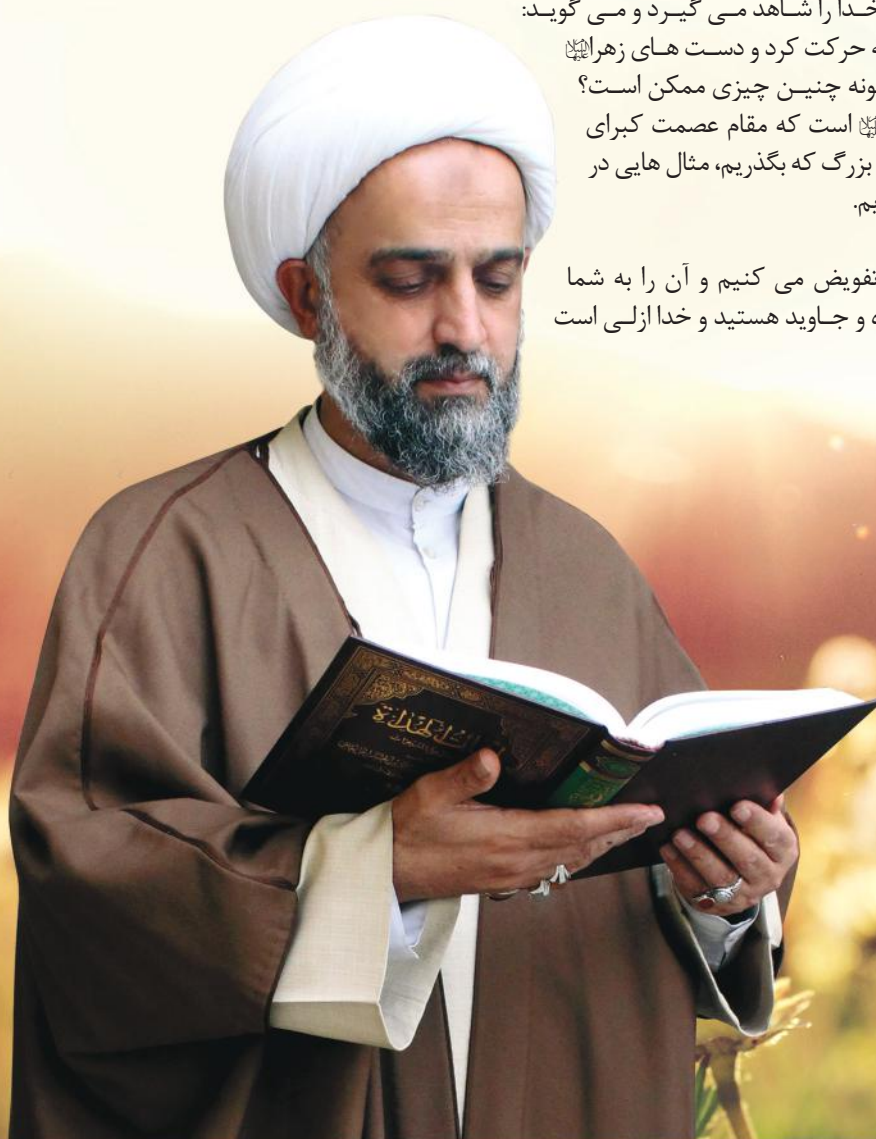
(۳) زیارت استغاثه به حضرت.

(۴) زیارت روز جمعه مروی از حضرت صاحب الزمان(ع) به ابوالحسن ضراب اصفهانی.

(۵) محمدبن عثمان بن سعید

(۶) مصباح المجتهد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۰۴.

(۷) سوره یس، آیه ۸۲.



خودروز

«هر روزی که
در آن روز، خدا
معصیت نشود،
آن روز عید است»!

للقیت صبر
محببت بکون
محببت بکون
والا حاکمیت الحمار
محببت بکون
والا حاکمیت الحمار
محببت بکون
والا حاکمیت الحمار

میدان

ای تغییردهنده‌ی دل‌ها و دیده‌ها
ای تدبیرکننده‌ی شب و روز
ای گرداننده‌ی سال و حالت‌ها
بگردان حال ما را به نیکوترین حال



نوروز در آیات و روایات

نوروز از منظر امام صادق (علیه السلام) معلی بن خنیس می گوید در صبحگاه نوروز به حضور امام صادق (علیه السلام) رسیدم. حضرت از من پرسیدند: «معلی آیا از امروز چیزی می دانی؟» گفتم: خیر، اما ایرانیان امروز را بزرگ می دارند، به همدیگر تبریک می گویند. امام فرمودند: «گرامیداشت امروز به سبب وقایعی است که برای تو بازگو می کنم:

نوروز همان روزی است که خداوند از بندگان خود میثاق گرفت که بندهی خدا باشند، برای او شریک قائل نشوند و غیر از خداوند، کسی را عبادت نکنند، یعنی روز آزادی است.

نوروز همان روزی است که برای اولین مرتبه خورشید طلوع نمود، یعنی روز روشنایی و درخشش است.

نوروز، روزی است که کشتی نوح بر جودی نشست، یعنی روز نجات از عذاب الهی است.

نوروز، روزی است که جبرئیل امین بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هبوط نمود، یعنی روز دریافت پیام الهی است.

نوروز، همان روزی است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) حضرت علی (علیه السلام) را بر دوش گرفت و بت های قریش را از بالای کعبه به زمین ریخت؛ یعنی روز پیراستن خانه های پاک از آلودگی هاست.

نوروز، روزی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، حضرت علی (علیه السلام) را در محل غدیر خم به مردم، به عنوان امیرالمؤمنین معرفی کرد، یعنی روز پیمان با ولایت.

نوروز، همان روزی است که قائم آل محمد (علیه السلام) حضرت مهدی (علیه السلام) ظهور خواهند کرد و بر دشمنان عدالت، پیروز خواهند شد و حکومت عدل الهی را اسلامی تشکیل خواهند داد».

و نیز فرمودند:

«نوروز که می آید، ما منتظر فرج آل محمد (صلی الله علیه و آله) هستیم، زیرا نوروز از روزهای ما و روزهای شیعیان ما است. شما آن را از دست دادید و پارسیان آن را نگه داشتند».^۲

اعمال نوروز

در اعمال نوروز، روایتی از معلی بن خنیس به نقل از امام صادق (علیه السلام) در مفاتیح الجنان بدین شرح آمده است:

«چون نوروز شود، غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین بوی های خوش خود را معطر گردان. پس چون از نمازهای پیشین و پسین و نافله های آن فارغ شدی، چهار رکعت نماز بگزار یعنی هر دو رکعت به یک سلام و در رکعت اول بعد از حمد، ده مرتبه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سورهی «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و در رکعت سوم بعد از حمد، ده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و در رکعت چهارم بعد از حمد، ده مرتبه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» را بخوان و بعد از نماز، به سجدهی شکر برو و این

دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ...» و بسیار بگو «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ».

همان طور که مشاهده می شود، این روز، چون دیگر اعیاد اسلامی، با غسل کردن، پوشیدن جامه ی نو و معطر گردیدن به بوهای خوش و روزه داشتن آغاز می شود، ضمن آن که نمازی مشابه نمازهای سایر اعیاد اسلامی دارد.

عید نوروز از منظر امام خمینی (علیه السلام):

«همین طور که سال تجدید می شود، باید تجدیدی هم در اشخاص، یک تحول هم در ارواح و اشخاص پیدا بشود...»

امیدوارم که این سال نو، یک سال فرح و انبساطی برای ملت ما باشد؛ همه چیز نو بشود: اخلاق، نو بشود. اعمال، نو بشود. این تقلیب قلوب که قلبها از آمال دنیوی و از چیزهایی که در طبیعت است، بریده شود و به حق تعالی پیوسته بشود و بصیرت ها روشن بشود و صلاح و فساد خودشان را به وسیله ی بصیرت بفهمند. در ملت ما بحمدالله تا حدود چشمگیری حاصل شده است.

و من امیدوارم که در این سال جدید به اعلی مرتبه ی خودش برسد...

مبارک باشد این روز جدید و این سال نو بر همه ی کسانی که قدرت ایمانشان به رشد رسیده است و امید است به حد اعلای رشد برسد...

و امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء باشد....^۳

عید نوروز در پیام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقام معظم رهبری فرمودند:

«تحویل هر سال جدید شمسی - که با نوعی تحول در عالم طبیعت مصادف می باشد - فرصتی است تا انسان به تحول درونی و اصلاح امور روحی و معنوی و فکری و مادی خود پردازد. این دعای شریفی که به ما تعلیم داده اند، تا در آغاز سال بخوانیم، درس همین تحول است. در این دعا، از خدای متعال درخواست می کنیم که در حال و وضعیت روحی و نفسانی ما، تحول و دگرگونی مبارکی را ایجاد کند. ایجاد تحول کار خداست؛ اما ما موظفیم که برای این تحول در درون و در زندگی خود و در جهان، اقدام و تلاش کنیم و همت بگماریم».^۴

پی نوشت ها:

(۱) نهج البلاغه، ترجمه کاظم عابدینی مطلق، کلمات قصار ۴۲۸، ص ۸۵۳.

(۲) بحار الأنوار، ج ۵۹.

(۳) اولین پیام نوروزی سال ۱۳۶۱.

(۴) پیام نوروزی مقام معظم رهبری، نوروز ۶۹.



رسانه‌ها و نهادها و مؤسسات فرهنگی واگذار می‌گردد که کشور ایران را یک نمونه از این فرهنگ‌ها معرفی می‌کند.

۲- جایگزینی فرهنگ

از سال ۱۹۴۰ به بعد، با ظهور (اختراع) تلویزیون، رادیو و سینما و درحال حاضر با تکنولوژی‌های ارتباطی جدیدتر (اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی)، این مجموعه جای پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و پدر و مادران را گرفته است بچه‌ها نه از پدربزرگ و نه از پدر، بلکه از کارتون‌های تلویزیونی، بازی‌های کارتون و ... فرهنگ را یاد می‌گیرند.

۳) بدبینی نسبت به جامعه‌ی خودی

از نتایج مشاهده‌ی مداوم برنامه‌های ماهواره‌ای، ایجاد حس بدبینی نسبت به جامعه‌ی خودی است. در برنامه‌های ماهواره‌ای سبک زندگی غربی به عنوان سبک برتر معرفی می‌شود، از غرب و آمریکا به عنوان مظاهر رشد و تمدن نام برده می‌شود و چیزی از فقر و بی‌نظمی و خشونت و نقض حقوق بشر و ناامنی و بیکاری در کشورهای غربی و آمریکایی به مخاطب داده نمی‌شود. در آینده‌ی ماهواره، در آن‌جا همه چیز خوب است و این‌جا همه چیز بد!

از طرفی، این شبکه‌ها اصرار زیادی به دوقطبی کردن فضای اجتماعی و سیاسی و حتی مذهبی و ورزشی جوامع در حال توسعه دارند. تقسیم مردم به: سنتی، مدرن، روشنفکر و عقب‌مانده، بنیادگرا و سکولار، آبی و قرمز و ... همه و همه منجر به شکاف فرهنگی و تنش و اصطکاک و خشونت می‌شود و این همان حربه‌ی همیشگی استعمار است که ملت‌ها را به دعوای داخلی مشغول می‌کند تا از قافله‌ی رشد و تعالی و پیشرفت عقب بمانند.

۴) رواج مصرف‌گرایی در بین مخاطبان ماهواره‌ها؛ به‌ویژه زنان

یکی از مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی غربی، تأکید بر مصرف‌گرایی است و ارزش اجتماعی انسان‌ها با الگوی مصرف آن‌ها معلوم می‌شود در برنامه‌های ماهواره‌ای شاهد تزریق این سم مهلک به مخاطبان هستیم.

یکی از مسائل مهم در برنامه‌های ماهواره‌ای علاوه بر انواع و اقسام برنامه‌های آن، تبلیغاتی است که در آن پخش می‌شود. تبلیغاتی که به طور حتم با هدفمندی از سوی مدیران این رسانه برای پرورش ذائقه‌ی جدید و نو برای کسانی که این برنامه‌ها را تماشا می‌کنند همراه است.

فروشنده‌ای اظهار می‌کرد: مشتریانی دارد که تعدادشان هم کم نیست و مدام محصولات ماهواره‌ای را می‌خواهند که شب قبل برای اولین بار تبلیغ آن را دیده‌اند.

از همه فاجعه‌بارتر، خرید محصولات آرایشی-بهداشتی از طریق سفارش تلفنی است که مصرف‌کنندگان آن‌ها متأسفانه بازار پرمصرفی برای آزمایش محصولات غربی و یا فروش کالاهای بی‌کیفیت آن‌ها هستند.

این محصولات که توسط زنان خریداری می‌شود، فاقد مهر تأیید وزارت بهداشت بوده و همین، گویای تقلبی و جعلی بودن آن‌هاست.

در این شماره، به مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی، اعتقادی و سیاسی شبکه‌های ماهواره‌ای می‌پردازیم. امید که راهگشا باشد.

آسیب‌های اجتماعی شبکه‌های ماهواره‌ای

۱) تشدید گسست‌های بین نسلی

تأثیر برنامه‌های ماهواره‌ای بر روی فرزندان خانواده‌ها (جوانان و نوجوانان) بیشتر است؛ به‌طوری‌که این گروه، زمان بیشتری را صرف تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای می‌کنند. این برنامه‌ها، ارزش‌ها، باورها، تصورات، انتظارات و جهت‌گیری‌های ارزشی متفاوتی را تبلیغ و عرضه می‌کنند که باعث می‌شود به مرور زمان، فاصله‌ی روانی بین والدین و فرزندان، بیشتر و بیشتر شود و به انقطاع یا گسست نسلی بینجامد. در این وضعیت غالباً جوانان و نوجوانان می‌کوشند آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین، گسسته و اغلب در این راه به گردنکشی و طغیانگری بپردازند.

در یک گسست نسلی به جای تعامل بر سر ارزش‌ها، اختلافات و درگیری‌های شدید بین فرزندان و والدین، ترک منزل بدون اطلاع، حرمت‌شکنی و ... صورت می‌گیرد.

مارگارت مید، در کتاب «فرهنگ و تعهد»، فرهنگ‌ها را به سه دسته‌ی: فرهنگ‌های گذشته‌گرا، حال‌گرا و آینده‌گرا، تقسیم می‌کند و استدلال می‌کند که در هر جامعه‌ای بسته به این‌که فرهنگ آن جامعه، گذشته‌گرا، حال‌گرا یا آینده‌گرا باشد، وارثان فرهنگ با هم متفاوت هستند.

در فرهنگ‌های گذشته‌گرا، شیوه زندگی از پدربزرگ و مادربزرگ، به فرزندان و نوه‌ها منتقل می‌شود. در این‌جا، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها بسیار مورد احترام هستند. زیرا منبع دانش فرهنگی جامعه هستند و تجارب خود را از طریق پند و اندرز و لالایی‌ها و ... به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند. اما کم‌کم با ظهور و توسعه‌ی نهادهای مدرن، فرهنگ‌های گذشته‌گرا از بین می‌روند. مدرسه، پارک، سینما و ورزشگاه و ... وضعیت فرهنگی را دگرگون می‌کند؛ به‌طوری‌که مسئله‌ی انتقال فرهنگ، بخشی از آن به مدارس و بخش دیگر آن به

همخوانی نداشتند و سبک زندگی و هویت جدید و خارج از عرفی را به زنان و خانواده‌های ایرانی تحمیل می‌کنند و سعی می‌کنند با دلایل مختلف به زعم خود علمی یا منطقی، مخاطب را با خود همراه کنند؛ درحالی‌که اکثر این دلایل قطعی نیست.

به نظر می‌رسد باید دانش رسانه‌ای مخاطبان تقویت شود تا هرچه ارائه می‌شود را بی‌چون‌وچرا نپذیرند. در این امر، زنان، مسئولیت سنگین‌تری بر دوش دارند. زیرا آن‌ها نقش تربیتی فرزندان را بر عهده دارند.

چنانچه برنامه‌ریزی برای این مسئله صورت نگیرد، این روند کماکان ادامه داشته و تبلیغات ماهواره اذهان را به خود جلب کرده و خیل عظیمی را در منجلاب فرو خواهد برد.

آسیب‌های اعتقادی شبکه‌های ماهواره‌ای

۱) تغییر نظام باورها به تناسب تغییر سبک زندگی

برخلاف مکتب اسلام، که تلاش می‌کند با تغییر در حوزه‌ی اعتقادات و جهان‌بینی، شخص، آگاهانه با میل و رغبت، روش زندگی خود را تغییر دهد، مکاتب غربی درصدد هستند تغییر روش زندگی و رفتار در حالتی ناآگاهانه و غیرهوشمندانه صورت گرفته و شخص متوجه تغییرات فکری خود نشود ولی تمام مفاهیم آن‌ها را بپذیرد.

اصل قورباغه‌ای: غربی‌ها با استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و به شیوه‌ی قورباغه‌ای سعی در کنترل دیگران و القاء آموزه‌هایشان دارند.

قورباغه‌ای را در نظر بگیرید که داخل ظرفی پر از آب و البته روی شعله‌ی ملایم اجاق‌گاز در حال استراحت است. اگر میزان حرارت همین‌طور کم باشد، آب رفته‌رفته گرم و گرم‌تر شده، بدون آن‌که قورباغه متوجه این تغییر دما شود. چرا که در مراحل ابتدایی افزایش تدریجی دما، قورباغه خوابش می‌گیرد و از خواب در یک آب ولرم لذت می‌برد. اما پس از مدتی، این قورباغه در آب داغ می‌میرد و این سرنوشت قورباغه‌ای است که متوجه تغییر دمای محیط اطرافش نشده است.

اما اگر این قورباغه را از ابتدا در ظرف پر از آب داغ بیندازیم، او بیرون پریده و خود را نجات می‌دهد. تغییر در حوزه‌ی تفکرات و اعتقادات از راه تغییر در مدل‌های زندگی نیز به آرامی صورت می‌پذیرد و شخص زمانی به حجم زیاد تغییرات صورت‌پذیرفته توجه پیدا می‌کند که دیگر کاملاً تغییر یافته و آدم دیگری شده است.

او وقتی خود را ناچار بین انتخاب همین سبک زندگی جدید خود و یا آموزه‌های مذهبی خود می‌بیند، ابتدا نقش بازی می‌کند که ظواهر را حفظ کند و در ادامه یا عقاید دینی را منکر می‌شود و یا آن‌ها را به شکلی تفسیر می‌کند که مزاحم سبک زندگی زیر بیرق ماهواره‌ای او نباشد و در چنین حالتی فرد، مستعد پذیرش هر نوع عقیده‌ای می‌شود.

افرادی هستند که به شدت از طرز لباس پوشیدن، حرف زدن و حتی مدل راه رفتن مانکن‌های تبلیغاتی ماهواره و یا بازیگران سریال‌ها تقلید کرده و با شبیه کردن پوشش خود به آن‌ها، احساس بزرگی می‌کنند. این افراد با افتخار عنوان می‌کنند که مدل لباس و موی خود را از فلان بازیگر یا فلان تبلیغ گرفته‌اند و این‌گونه می‌خواهند احساس کمبود خود را کم کنند.

این در حالی است که مصرف، خرید و استفاده از آن مدل لباس یا موی سر، هرگز با فرهنگ ایرانی-اسلامی ما و شخصیت خود فرد،



۲) تمسخر مرز محرم و نامحرم و ترویج اباحه‌گری

در غالب برنامه‌های ماهواره‌ای تلاش می‌شود خطوط قرمز شرعی از اهمیت بیفتد و مخاطبان جرأت بیشتری در این کار به دست بیاورند؛ به عنوان مثال، به راحتی با نامحرم دست بدهند، به راحتی مشروب بنوشند، به راحتی دل به زن یا مرد دیگری ببازند؛ هرچند متأهل باشند...

از طرفی، به مخاطبان خود یاد می‌دهند: مهم این است که دلت صاف باشد و نیازی به انجام عبادات و مناسک دینی نظیر نماز و روزه و حج و زکات و ... نیست!

آسیب‌های سیاسی شبکه‌های ماهواره‌ای

بسیاری از تحلیل‌گران بر نقش مؤثر و تعیین‌کننده شبکه‌های ماهواره‌ای بر فضای اجتماعی و تصمیم‌گیری کشورها، تأکید دارند و معتقدند این شبکه‌ها قادر به تغییر رفتار کشورها هستند. اگر مخاطبی برای کسب اخبار امروز کشوری، شبکه‌های مختلف را رصد کند، تقریباً پیام مشترکی دریافت می‌کند.

در حوزه سیاسی، فضای رسانه‌ای در دنیا به سود جمهوری اسلامی ایران نیست. تولید گفتمان توسط شبکه‌های ماهواره‌ای و ایجاد فضای مناسب برای برخورد با کشورهای دیگر به ویژه جمهوری اسلامی در این راستا صورت می‌گیرد، به طوری که این رسانه‌ها درباره‌ی یک موضوع مبادرت به تولید گفتمانی خاص می‌کنند و وقتی آن گفتمان پذیرفته می‌شود، برخورد با آن موضوع خاص بیشتر از دریچه‌ی همان گفتمان صورت می‌گیرد. از جمله تأثیرات منفی ماهواره‌ها در حوزه سیاسی

موارد ذیل می‌باشد:

۱. ایجاد بدبینی نسبت به نظام:

این شبکه‌ها به راحتی با احساسات ایرانیانی بازی می‌کنند که اطلاعات ضعیفی دارند. مصاحبه‌های متعدد با خانواده‌های زندانیان و اعدامی‌های سیاسی و اجتماعی و انعکاس کینه‌های مخالفان نظام، از همین نمونه‌هاست.

۲. القای ناکارآمدی نظام اسلامی:

شبکه‌های ماهواره‌ای خبری و سیاسی یک رویکرد مشترک دارند مبنی بر این که نظام اسلامی ناکارآمد بوده و نتوانسته کاری برای مردم ایران انجام دهد و اگر هم چیزی بوده، نتیجه‌ی قهری گذر زمان بوده است!

پاسخ به ادعای فوق در میانه‌ی اکتشافات و پیشرفت‌های عجیب علمی دانشمندان جوان ایرانی مستتر است. پاسخ این حرف در وضعیت روستاها و بالا رفتن سطح رفاه در جامعه قابل مشاهده است.

پاسخ این ادعای کذب، در امنیت شهروندان ایرانی با وجود این همه ناامنی در کشورهای منطقه و گرایش خیل عظیم جوانان به معنویت نهفته است و...

منابع:

- دانشنامه‌ی سیاسی، داریوش عاشوری
- جنگ نرم در همین نزدیک، علی محمد اسماعیلی
- جامعه‌شناسی خانواده، شهلا اعزازی
- «دین، رسانه، ارتباطات اجتماعی»، حسین خیری.
- بشقاب‌های ستمی، حسین امانلو
- بررسی تأثیر صفت فرهنگ بر هویت اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های تلویزیونی- ماهواره‌ای، زلفعلی فام و گروهی دیگر.



خاخام صهیونیست در داخل سرزمین های اشغالی مسلمان شد:

که یکی از اعضای این حزب اعلام کرده که یوسف کوهین، اقدامی دیوانه‌وار انجام داده و باید او را به تیمارستان منتقل کرد. اسلام آوردن این خاخام صهیونیست با توهین، تمسخر و ترس اسرائیلی‌ها از ورود دیگران به اسلام مواجه شده که البته در این حد باقی نمانده و حتی پدر و مادر او که اسلام هم نیاورده‌اند، تحت فشار صهیونیست‌ها قرار دارند.

خاخام، صهیونیست مسلمان شده، اکنون در جمعیت خیریه‌ی اسلامی در بیت المقدس کار می‌کند و خود، به یک مبلغ اسلامی تبدیل شده است.

گفتنی است، سال گذشته نیز ارون کوهن، خاخام ترکیه‌ای - یهودی به همراه فلوری (همسرش) و میری (پسرش) در استانبول به دین مقدس اسلام مشرف شدند.

کوهن اعلام کرده است که اسلام، کامل‌ترین ادیان و بهترین دین‌هاست و قرآن، تمامی ویژگی‌های ادیان آسمانی را در خود جمع کرده است.

پیش از این، روزنامه‌ی صهیونیستی آحارانتوت با اشاره به برنامه‌های تبلیغاتی مسلمانان در ماهواره و اینترنت و همچنین حضور مبلغان مسلمان اعتراف کرد که سالانه ۲۰ یهودی در سرزمین‌های اشغالی، به اسلام ایمان می‌آورند. «

یوسف کوهین خاخام یهودی از مبلغان رژیم غاصب صهیونیستی که از اعضای حزب تندرو «شاس» و ساکن سرزمین‌های اشغالی بود، به اسلام گرویده است.

کوهین که یک یهودی آمریکایی‌الأصل است، طی مدت دو سال از طریق اینترنت و ارتباط با یک اندیشمند مسلمان کویتی، با دین اسلام آشنا شد و این اندیشمند کویتی، در طول دو سال ارتباط با این خاخام یهودی، مسائل و احکام مربوط به دین اسلام را برای وی توضیح داد. سپس او را نزد یکی از روحانیون مسلمان قدس شریف هدایت کرد. وی پس از ادای شهادتین و قرائت قرآن به زبان انگلیسی، به دین مبین اسلام مشرف شد.

یوسف کوهین که نام «یوسف محمد» را انتخاب کرده است و اکنون ۴۰ سال دارد، پس از مسلمان شدن، با مشکلات فراوانی از سوی رژیم صهیونیستی مواجه شده است.

اعلام رسمی مسلمان شدن او در محافل یهودیان و به‌ویژه در حزب تندرو «شاس»، طوفان بزرگی ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای

ره‌یافتگان



یوسف واسرته
بعد از اسلام

مبارک باشد آمدن ماهی که:

اولین روزش باقری، سومین روزش نقوی، دهمین روزش تقوی،
سیزدهمین روزش علوی، نیمه‌ی ماهش زینبی و بیست‌وهفتمین روز آن
محمدی ﷺ است.

نزدیک است که باران بگیرد
صدای گام‌هایش را می‌شنوی

آسمان، ابرهای مغفرت خداوند را آرام‌آرام به سوی زمین سوق می‌دهد
و این یعنی... رجب نزدیک شده است...

«طوبی للذاکرین، طوبی للطائعین»^۱

می‌شنوی؟! این ندایی است که از روز اول رجب، از آسمان هفتم به گوش دل می‌رسد. خوشا به حال
آنان که اهل ذکر و طاعت حق‌اند.

چه خبر است در رجب که ذکر حق و اطاعت او مژده دارد؟

پنج‌شنبه‌ی اول رجب «لیلة الرّغائب» است.

شب آرزوها، وعده‌گاه خداوند، شبی که آسمان پر از برق ستارگان است و هر دعایی که به آسمان
می‌رود، به ستاره‌ای تبدیل می‌شود و در سینه‌ی آسمان می‌درخشد.

راه بخشش شاید در نظرت، سخت و طولانی باشد اما امشب اگر عاشق شوی، پیاده هم می‌شود تمام
مسیر را بی هیچ سختی از رنج و زحمت، طی کنی.

باز هم سروش ملک به گوش جان می‌رسد: «أنا جلیسٌ من جالسینی»^۲؛ من هم‌نشین کسی هستم که با
من هم‌نشین شود. خداوند می‌خواهد در این ماه، راه انس با خودش را برای ما باز کند، خداوند! چقدر مرا
دوست داری که می‌خواهی با تو هم‌نشین باشم! چگونه می‌شود هم‌نشینی خاک با افلاک و بالاتر از آن،
خالق افلاک؟

خداوند سخت عاشق بنده‌ی خودش است و به دنبال آن است که بنده‌اش چیزی از او بخواهد تا
درخواست او را اجابت کند. در این ماه عشق خدا به بندگانش، به اوج می‌رسد؛ لذا به او می‌گوید: «و مطیعٌ
من أطاعنی»^۳.

پس بنده‌ی عزیز من! یک قدم در راه بندگی من بردار، بعد شروع کن و از من چیزی بخواه، من مطیع
درخواست‌های تو هستم. این سفره‌ی رحمت الهی به صورت خاص آن، در ماه رجب گسترده شده است
و این، ما هستیم که باید هنر استفاده از آن را داشته باشیم تا در موقف محشر، درحالی که تنها و بی‌کس
مانده‌ایم، بتوانیم پاسخگوی خطاب «أین الرّجیون» باشیم.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) برگرفته از کتاب «المراقبات» آیت‌الله

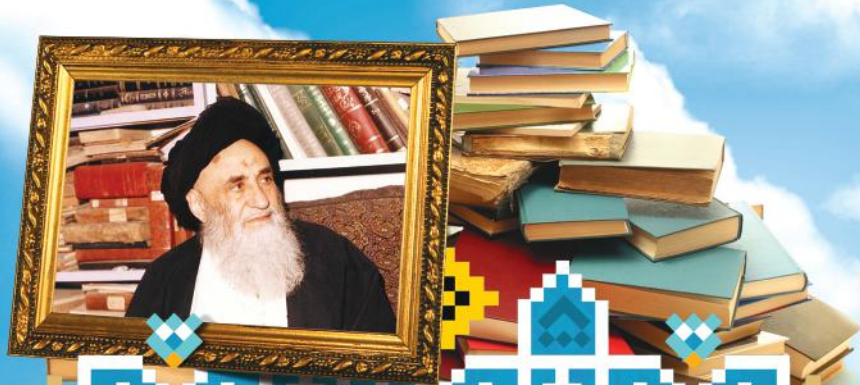
ملکی تبریزی بخش مراقبه‌های ماه رجب.

(۲) اقبال‌الاعمال، سیدبن طاووس، ج ۲، ص ۶۲۸.

(۳) همان.



این الرّجیون



سیره علما در خانواده

آیت الله مرعشی نجفی

- از آیت الله مرعشی نجفی پرسیدند: چگونه به این مرتبه از علم رسیدید؟ گفتند: روزی هنگام ظهر، مادرم به من گفت: پدر را برای ناهار صدا کنم! به طبقه بالا رفتم تا صدایشان کنم؛ دیدم به خواب رفته اند، فکر کردم اگر صدایشان نکنم شاید مادر ناراحت شوند و اگر صدایشان کنم، شاید پدرم رنجور شوند! خم شدم، لب هایم را کف پای پدر گذاشتم و پای ایشان را بوسیدم که به آرامی بیدار شدند و فرمودند: شهاب الدین! تو هستی؟

گفتم: بله آقا جان! گفتند: چه می کنی؟ من قضیه را برایشان گفتم. پدر اشک در چشمانشان حلقه زد، دستشان را به آسمان بلند کردند و فرمودند: پسر! خدا عزت را زیاد کند و تو را از عالمان و خادمان اهل بیت علیهم السلام قرار دهد.

ایشان می فرمودند: هر چه دارم، از برکت همان دعای پدر است.

- همسر حضرت آیت الله مرعشی تعریف می کردند: من ۶۰ سال با ایشان زندگی کردم. در این مدت، هیچ گاه با تحکم و تندى با من صحبت نکردند و آیت الله علاوه بر مهربانی و محبت، همکاری دلسوزانه ای در کارهای منزل با من داشتند و بسیاری اوقات در امور خانه، همراه و کمک کار من در درست کردن غذا و پاک کردن سبزی و تمیز کردن ظروف و وسایل و نیز شستن میوه و ... بودند. تا زمانی که خودشان قادر به انجام کار بودند، کارشان را به دیگران

واگذار نمی کردند و اجازه نمی دادند کسی از خانواده، کاری برای ایشان انجام دهد، حتی وقت تشنگی، خودشان برمی خاستند و به آشپزخانه رفته و آب می نوشیدند و از کسی درخواست نمی کردند. ایشان برای من مانند یک رفیق صمیمی و همکاری غمخوار بودند و در کارهای آشپزخانه کمک می کردند و رفتارشان برای تمامی افراد خانواده، الگو بود.

از شیوه های تربیتی آیت الله مرعشی این بود که هر شب با نقل داستان یا ذکر خاطره و یا شرح گوشه ای از زندگی بزرگان و در نهایت هم گفتن یک روایت، فرزندان را آماده ی خواب می کردند.

- فرزند ایشان می گویند: پدرم نسبت به فرزندان و افراد خانواده مهربان و خوش رفتار بودند. برخی شبها که نوه هایشان در منزل جمع می شدند، معظم له برایشان با بیانی شیرین و جذاب، حکایت و داستان می گفتند و نوه ها را سخت تحت تأثیر قرار می دادند. در لابه لای حکایت و داستان، نصایح مؤثری می فرمودند.

ایشان در کارهای منزل به مادرم کمک می کردند و وقتی کسالتی برای مادر پیش می آمد، پدرم غذا درست می کردند و در داخل غذا هم چیزهای جدید می ریختند و می فرمودند: «حکم نیست که از آسمان آمده باشد که مثلاً آبگوشت باید چنین درست شود». یک چیزهایی اضافه می کردند، اتفاقاً خیلی هم خوشمزه می شد....

منبع:

حقوق والدین، سیدجعفر میرعظیمی.

صهیونیسم مسیحی که خود ساخته و پرداخته‌ی سازمان یهود و صهیونیسم جهانی می‌باشد، امروزه علاوه بر آن که بر شبکه‌های وسیعی از نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دارد، با در اختیار داشتن امپراطوری (جهانی) احاطه از جمله ماهواره‌ها، اینترنت، رسانه‌های عظیم رسانه‌ای و تلویزیونی، روزنامه‌ها و هزاران وسیله‌ی ارتباط جمعی و با راه‌اندازی کلیساهای تلویزیونی، تبلیغات وسیعی را در معرفی اهداف و منویات پلید خود و با مقدس جلوه‌دادن آن شروع کرده و در صدد سوء استفاده از احساسات پاک میلیارد‌ها مسیحی و پیروان ادیان الهی، حتی پیروان آئین یهود در سراسر جهان می‌باشند. ابتداءً این بخش جهت شناخت بهتر جریان صهیونیسم مسیحی به دو تعریف از این جریان سیاسی - اجتماعی در آمریکا اشاره می‌کنیم:

۱. نام و عنوان حمایت فعالی است که از سوی مسیحیان پروتستان از جنبش صهیونیسم (سازمان یهود) به عمل می‌آید که در آمریکا به "اتلاف مسیحی" موسوم می‌باشند.

۲. به گروه‌های قدرتمند و مسلط بر شبکه‌های گسترده‌ای از کلیساهای آمریکایی، رسانه‌ها، سیاستمداران، سازمانهای

این سازمان که توسط کشیش‌های مسیحی پروتستان "موسوم به کشیش‌های تلویزیونی" اداره می‌گردد، ریاست آن به عهده‌ی کشیش "پتر ابر تسون" می‌باشد که از همکاران وی می‌توان از: کشیش جری فالول، جولی آروین، ریچارد دی‌هان، جیمی سوهارت (شوگرت)، اورال رابرتز، کوبلاند، با توجه به تفکر و اعتقادات حاکم بر این سازمان آنان معتقدند که:

«اراده‌ی الهی در ایجاد اسرائیل نمودار گشته و خداوند هر کسی که اسرائیل را یاری کند، یاری می‌کند و با هر کس

بررسی
اجمالی

وضعیت
فعلی

صهیونیسم
مسیحی

اشغال عراق اظهار داشت که: «ما با اراده و خواست می شویم».

«ایجاد اسرائیل به نسبت به آن عداوت ورزد، دشمنی می کند.» دوباره ی مسیح می باشد و دفاع از اسرائیل عمل مذهبی و جزئی متغیر تأثیر نمی گذارد.»

فرزندان بشریت است. ایشان در حمایت از اسرائیل و برتری قوم یهود به عنوان ملت در سازمان ملل و یا سایر مجامع جهانی در ارتباط با مسائل بین المللی به ویژه پیرامون اسرائیل معتقدند که:

«قوانین موضوعی بین المللی، اسرائیل را شامل نمی شود، زیرا اسرائیل با همه ی رژیم های سیاسی دیگر عالم تفاوت دارد، وجود و جوب و شمول خواست نه مشیت الهی می تواند بشری و تنها بگیرد که در کتب مقدس آمده و آشکارترین نمونه ی آن «وعده ی خداوند برای ملت برگزیده ی اوست».

آن در نزد سیاستمداران کاخ سفید و شورای امنیت ملی آن کشور می بایست قبل از اتخاذ هر گونه تصمیمی ابتدا با اعتقادات مبتنی بر پیشگویی های آخر زمانی تطبیق داده شوند و در صورت مطابقت، تصمیم و موضع گیری متناسب در ارتباط با آنها صورت گیرد.

در این خصوص خانم «گریس هالسل» در کتاب پیشگویی ها و سیاست می گوید: «هر بار که اعضای شورای امنیت ملی جهت تصمیم گیری پیرامون انجیلی جهت تطبیق تصمیمات با اعتقادات مبنی بر پیشگویی های تورات و تفاسیر جنگی که این کلیسا وضع کرده است، دعوت می شود.»

وی می گوید: «حتی بعد از انتخاب هریک از رؤسای جمهور آمریکا، یک نفر از نمایندگان این کلیسا، ریاست این کشیشان را در انجام تحلیف و سوگند قانون اساسی به عهده می گیرد.»

به عنوان نمونه در خصوص جنگ عراق در سال ۲۰۰۲ میلادی با توجه به آن چه که در ادبیات لاهوتی و پیشگویی های توراتی آمده است که:

«در سرزمین بابل جنگی آغاز می شود و پادشاه بابل از تخت سرنگون و آن سرزمین آزاد می شود.»

جزئیات این جنگ در نشست سالانه ی ۲۰۰۲ در کانادا بین اعضای اجلاس مسیحیت صهیونیسم مطرح و در این نشست آخرین تحولات مهم و کلان در مناطق استراتژیک جهان بررسی و پس از مطرح شدن پیشگویی ها وسیعی در ایجاد و برقراری تطابق بین حوادث و پیشگویی ها، مسئله ی «مرگ حیات اممی»^۲ را مطرح و آن را پیش زمینه ی ظهور حضرت مسیح (ع) می دانند و سپس مجوز اشغال آن کشور را صادر نمودند.

از این رو بوش، رئیس جمهور آمریکا قبل از

پس از او و با شروع حاکمیت دموکرات ها با ریاست جمهوری اوباما نیز علیرغم وعده های تبلیغاتی خود، آن ها هم در این عرصه هم چنان همان راه جمهوری خواهان و جرج بوش را طی می کنند و کماکان با جنگ طلبی و جنایات خود و حمایت از رژیم کودک کش اسرائیل، راه سلف خود را طی می کنند که خود شاهد آن هستید و نیاز به توضیح بیشتر در این مجال نمی باشد.

اما در ادامه و به طور خلاصه برای شناخت هر چه بیشتر «صهیونیسم مسیحی» جهان به بیان اعتقادات آنان و معرفی سازمان های وابسته به این جریان صهیونیستی خواهیم پرداخت.

اعتقادات صهیونیسم مسیحی

۱. نبرد دائم خیر و شر تا نابودی کامل نیروهای شر (در دیدگاه آنان مسلمانان کافر)؛
۲. ظهور حضرت مسیح (ع) برای نجات بشریت (نژاد قوم یهود) و وظیفه ی مسیحیان در ایجاد شرایط مربوطه؛
۳. ظهور منجی در صورت کنترل فلسطین توسط یهودیان؛
۴. مسلمانان به عنوان دشمن مشترک (شر) محسوب می گردند؛
۵. جنگ آخر الزمان (آرمگدون) با مسلمانان (محور اهریمنی) به عنوان مقدمه ی ظهور مسیح (ع) محسوب می گردد.

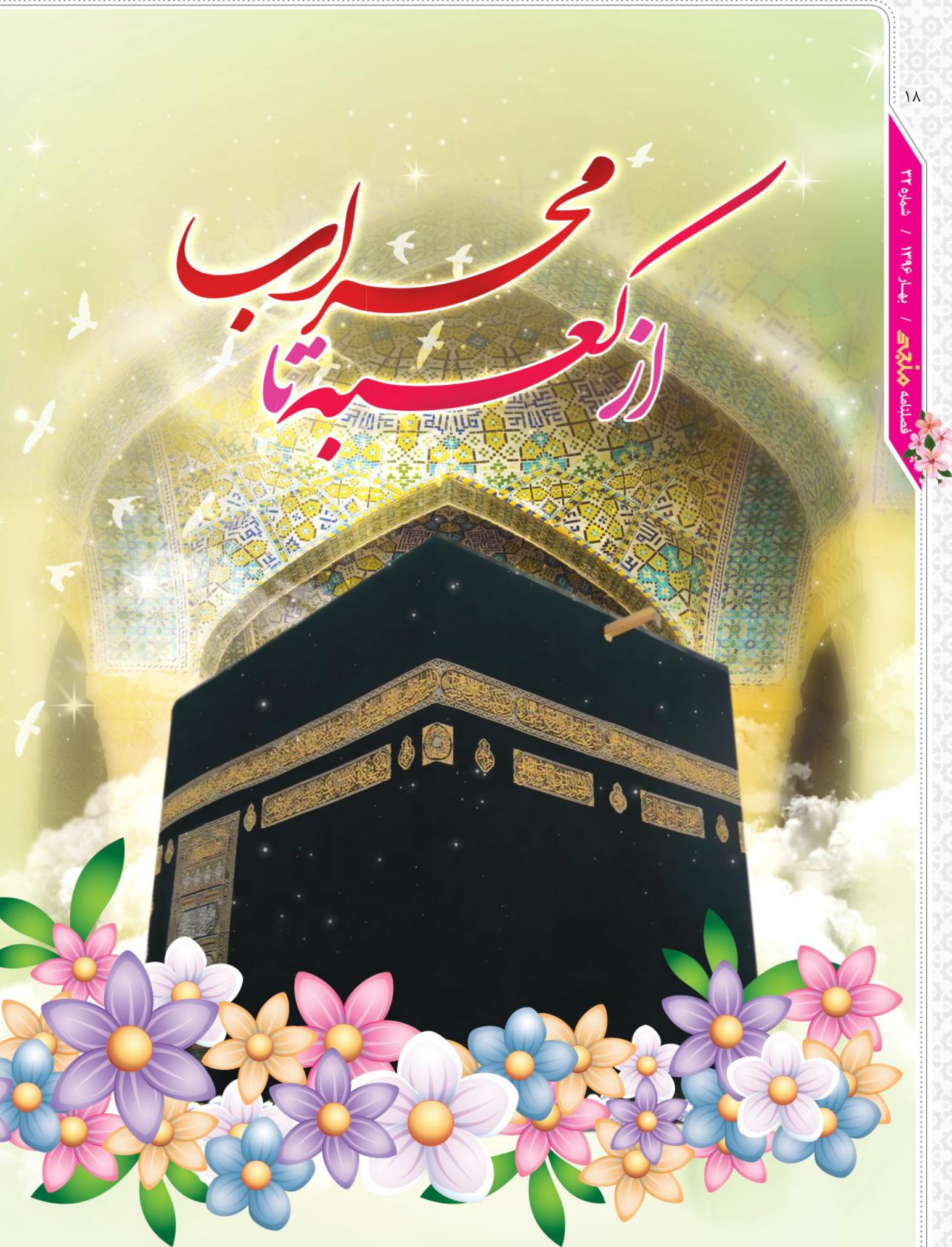
منبع: کتاب «دشمنان مهدویت چرا و چگونه؟»، محمد مهدی حامدی

۱. لازم به ذکر است که مطالبی که در این فصل به آن پرداخته شده است، برگرفته از دهها کتاب، مجلات مهدوی و ماهنامه های تخصصی، روزنامه ها، مقالات، نرم افزارهای مهدوی می باشد که به این موضوع پرداخته اند و ما در طریق رسانه های مختلف به کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می توانستیم. اما در محترم علاقه مند به کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می باشیم.

۲. حیات اممی یعنی جهان دیگر نباید تکه تکه و... مراجعه نمایند. و باید به صورت یک دهکده درآید و نباید تصمیمات پراکنده گرفته شود، بلکه باید یک عقل واحد باشد و آن عقل آمریکاست. به همین جهت تکروی آمریکا در حمله به عراق و سایر مسائل بین المللی بر همین اساس صورت می گیرد و از ضرورت های پیش زمینه ی ظهور حضرت مسیح (ع) توسط ایشان مطرح می گردد.



اسرار از عقیقه



میسر نگردد به کس این سعادت

به کعبه ولادت، به مسجد شهادت

محمد ﷺ انس گرفت و در دامن او، تربیت یافت تا برای مسئولیت مهم آینده آماده شود. علی (علیه السلام) ده ساله بود که پس از آشکار شدن دعوت پیامبر ﷺ، دست یاری به ایشان داد و از آن به بعد، یار و یاور پیامبر ﷺ شد. در لیلۃ المبیت در بستر پیامبر ﷺ خوابید و خطر مرگ را به جان خرید و در پیمان اخوت، تنها ایشان بود که به افتخار برادری با پیامبر ﷺ نائل شد. سپس ردای دامادی ایشان را بر تن کرد تا گوهرهای تابناکی از دریای عترت به وجود آیند. در حجة الوداع نیز به امر خداوند از طرف پیامبر ﷺ به جانشینی ایشان برگزیده شد.

پیش از این، پیامبر ﷺ بارها در جمع اصحاب به او فرموده بودند که نسبت تو به من، مانند نسبت هارون است به موسی؛ با این تفاوت که بعد از من، پیامبری نخواهد آمد^۴.

امام علی (علیه السلام) دروازه‌ی شهر علم بودند؛ چرا که سال‌ها از وجود نورانی پیامبر اسلام ﷺ کسب فیض کرده بودند و علوم الهی را از ایشان فراگرفته بودند. ایشان عصاره‌ی خوبی‌ها و دریای علم بودند.

شب‌پرستان و حسودان که تاب دیدن آفتاب عالم‌آرای ایشان را نداشتند، لذا طرح شهادت ایشان و خاموش کردن نورشان را کشیدند و از این میان، دست ناپاک ابن ملجم بود که شمشیر شرک و نفاق را که به سم کینه، آلوده بود، بر فرق مبارکشان فرود آورد و فریاد «فَزَتْ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ» ایشان را به عرش رسانید تا میان ملائک و لوله برپا شود و پایه‌های عرش بلرزد و ملائک بنالند که «قَدْ قُتِلَ الْمُرْتَضَى».

پی‌نوشت‌ها:

(۱) حلیۃ الأبرار، ج ۲، ص ۱۹.

(۲) بحار الأنوار بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۸ تا ۳۶ و ۸۴.

(۳) همان، ج ۳۷، صص ۹ تا ۳۷.

(۴) حدیث منزلت، صحیح بخاری: ۲۴/۵ و صحیح بخاری: ۳/۶.

از صبح، دوباره درد به سراغش آمده بود؛ همان درد شیرینی که منتظرش بود. بی‌قرار و مضطرب از همسرش خواست که او را تا مسجدالحرام همراهی کند. می‌دانست آرام و قرار او آن‌جاست؛ کنار کعبه.

ابوطالب و برادرزاده‌اش او را یاری دادند و به مسجدالحرام آوردند. او در مقابل کعبه ایستاد، نگاهی به سوی آسمان نمود و چنین گفت: «پروردگارا! من به تو و به پیامبران و کتاب‌هایی که از جانب تو آمده‌اند، ایمان دارم. من کلام جدّم ابراهیم خلیل را تصدیق می‌کنم و او بوده که این خانه را بنا کرده است. تو را قسم می‌دهم و از تو می‌خواهم به حق کسی که این خانه را بنا کرده و به حق فرزندی که در شکم من است و با من سخن می‌گوید و باگفتارش با من انس می‌گیرد، و من یقین دارم که یکی از آیات و نشانه‌های توست، این ولادت را بر من آسان فرما^۱».

ناگهان حاضرین در مسجدالحرام دیدند که دیوار پشت کعبه شکافته شد و بانوی ابوطالب داخل شد و دوباره شکاف بسته شد و حاضرین هر چه کردند، قفل در کعبه باز نشد.^۲

همه چیز برای تولد ولیّ خدا آماده بود و خورشید آسمان ولایت در خانه‌ی کعبه طلوع کرد و دیدگان مادر به روی چون ماهش، روشن شد. آری علی (علیه السلام) پا بر عرصه‌ی وجود نهاد. فاطمه بنت اسد، سه روز با فرزند گرامیش مهمان خصوصی خداوند بود و با طعام بهشتی پذیرایی شد. در آن‌جا بود که هاتفی از غیب او را ندا داد:

«ای فاطمه! نام این مولود را علی بگذار؛ چرا که من خدای علی اعلی هستم، من نام او را از نام خود گرفته‌ام، و او را ادب آموخته‌ام و امر خود را به او سپرده‌ام...»^۳.

سپس روز چهارم، دوباره دیوار شکافته شد و فاطمه با مه‌پارهای در آغوش، از کعبه خارج شد. ابوطالب و برادرزاده‌ی گرامیش محمد بن عبدالله به استقبال او آمدند. مولود کعبه را پس از پدر، در آغوش پسرعمش نهادند و به خانه باز گشتند. از آن به بعد، علی (علیه السلام) با

از کعبه ستایش

چه کار کنیم تا به آقا امام زمان (عج) نزدیک شویم؟

برای نزدیک شدن به امام عصر (عج) باید به نکات زیر توجه داشت:

- شناخت امام

از روایات فراوانی که درباره‌ی معرفت و شناخت امام زمان (عج) از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) روایت شده است، دانسته می‌شود که از ارکان مهم ارتباط معنوی و قلبی با امام، معرفت به ساحت مقدس ایشان است. از این رو است که در روایات متعددی آمده است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.^۱

طبیعی است هر چه شناخت انسان از یک حقیقت گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد امکان ارتباط باطنی با او بیشتر خواهد شد؛ آدمی، با معرفت به حضرت مهدی (عج) همه جا و همه وقت، حضور او را لمس می‌کند و خود را کنار ایشان و در محضر ایشان می‌بیند. باید برای رسیدن به چنین شناختی، از خدا یاری خواست. در دعای دوران غیبت می‌خوانیم:

«خدا یا حجت خود را به من بشناسان؛ چرا که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد»^۲.

- پیوسته به یاد آن حضرت بودن

برای نزدیکی به امام عصر (عج) که عصاره همه خوبی‌ها است، به بهانه‌های فراوان می‌توان متوسل شد؛ گاهی با زیارت «آل یاسین» به محضر مقدسش سلام داد و گاهی با «دعای ندبه» در فراق جان سوزش ناله و فغان سر داد و همه روز با «دعای عهد» با او تجدید پیمان کرد.

- تهذیب نفس و کسب فضای روحی و معنوی

برای ارتباط و انس بیشتر با آن بزرگوار، باید در دوری از گناهان و آلودگی‌ها بکوشیم و آینه دل را برای حضور آن وجود مطهر، غبارروبی کنیم و به جای رذیلت‌ها و بدی‌ها، بذل فضیلت‌ها و خصلت‌های زیبای اخلاقی را در زمین دل بکاریم. هر چه دل انسان و رفتار او، پاک‌تر باشد، قطعاً بهتر و بیشتر می‌تواند با پاک‌ترین موجود عالم هستی، ارتباط برقرار کند؛ چون در این صورت است که سنجیت پدید می‌آید و سنخیت بین دو شیء، سبب نزدیکی آن‌ها خواهد شد. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۳ مفسران گفته‌اند مراد، این است که فقط کسانی به فهم معارف عمیق قرآن راه می‌یابند که از طهارت روح برخوردار باشند. مصداق کامل اینان، امامان معصوم (ع) هستند که به اسرار قرآن آگاهند و آن را برای دیگران بیان می‌کنند.

پس باید کوشید با کسب کمالات اخلاقی و تقوا، به ولی عصر (عج) شباهت یافت. طبق آیات قرآن و روایات معصومان (ع) تقوای الهی، عبارت از انجام دادن واجبات و ترک محرمات است.

پرسش و پاسخ مهری

آیا شخصی که

گناه کرده است، می‌تواند با امام زمان (عج) ارتباط داشته باشد؟

خداوند بزرگ، راه برگشت را به روی هیچ کس نبسته است. هر کس توبه کند و از گناه دست بکشد و به راه صحیح برگردد، قطعاً مشمول رحمت حق قرار می‌گیرد. خداوند می‌فرماید:

«بگو: ای بندگان من که بر خود، اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا، همه‌ی گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است»^۴.

امام معصوم و حجت خداوند که تجلی رحمت بی‌انتهای الهی است نیز با آغوش باز، فرد توبه‌کننده را می‌پذیرد.

نمونه‌ی زیبای آن، توبه‌ی حزن‌یزید ریاحی و پذیرش وی از سوی امام حسین (ع) است.

امام مهدی (عج) نیز چنین است و طبق حدیث، امام مهدی (عج) رحمت بر عالمیان ذکر شده است:

«به‌درستی که من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، جز آن که وقتی ایامش کامل و مدتش سپری شد، برای او وصی‌ای قرار دادم ... سپس کامل کردم آن [سلسله اوصیاء] را به فرزندش [فرزند امام حسن عسکری (عج)] رحمت بر عالمیان...»^۵.

این که سؤال شد: «آیا می‌تواند ارتباط داشته باشد؟» باید دید، منظور از «ارتباط» چیست؟ اگر مراد، این است که بتواند حضرت را ببیند، در پاسخ باید گفت، امکان دیدار حضرت به صورت کلی نفی نشده است؛ بنابراین ممکن است حتی گناهکاری نیز حضرت را ببیند؛ هر چند نشناسد.

اگر مراد، «ارتباط قلبی» است، به این معنا که فرد احساس بکند به حضرت نزدیک است و امام زمان (عج) به او توجه دارد، در پاسخ باید گفت، حضرت مهدی (عج) در توقیعی به مرحوم شیخ مفید می‌فرماید:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِينَ لِدُكْرِكُمْ؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم»^۶.

لذا هر فردی مورد توجه امام زمان (عج) است. حال اگر از گناه پشیمان شد و برگشت، حتماً مورد پذیرش قرار می‌گیرد و حضرت به او توجه بیشتری می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

(۲) اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

(۳) سوره واقعه، آیه ۷۹. ترجمه: «و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست

زنند (دست یابند)».

(۴) سوره زمر، آیه ۳۹.

(۵) کمال‌الدین، ج ۱، باب ۲۸، ح ۱.

(۶) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

پس نکته‌ی قابل تأمل در بعثت پیامبران، متنی است که خداوند بر مردم می‌نهد. اولاً این منت برای هدایت و راهبری است و ثانیاً اینکه، پیامبران را از میان خود مردم و از جنس آنان انتخاب کرده است؛ باید توجه داشت که واقعه‌ی بعثت در فرهنگ مسلمانان، جایگاهی خاص دارد. بعثت، درحقیقت نقطه‌ی آغازین اسلام است. دینی که در سال‌های اولیه‌ی خود، با پیروانی اندک و در شرایط سخت آغاز شد، و بعدها در سراسر جهان انتشار یافت و دل‌های فراوانی را به سوی خود جذب کرد. انتشار همه‌ی آن چه در اسلام گذشته، همین نقطه است که آغاز تحولی عظیم در تاریخ بشریت به شمار می‌آید.

دین بیشتر مردم جزیره‌العرب با همه‌ی اختلافات ظاهری آن، بت‌پرستی بود. بت بزرگ مردم مکه و قبیله‌ی قریش، هبل بود. پرستش ارواح آزاردهنده مانند جن و غول و عفريت در نقاط مختلف جزیره رایج بود. در یمن پرستش ماه و آفتاب رواج داشت و انتخاب نام‌هایی مانند عبدالشمس، عبدالنجم و عبدالثریا نشان از این نوع عبادت دارد و شیوه‌ی گروهی دیگر، پرستش مفاهیم معنوی و قوای نادیدنی بود. در بخش‌های مختلف این سرزمین، ادیان آسمانی که تغییر ماهیت داده و به انحراف کشیده شده بود، پیروانی داشت. به طور مثال، یهودی‌گری در یمن، وادی‌القری، خیبر و یثرب در قبایل خیبر، بنی‌قینقاع و بنی‌قریظه رواج داشت.

و بنی‌تغلب، غسان، قضاعه در شمال و سرزمین یمن در قبایل تغلب، مسیحی بودند. زردشتی‌گری و تعالیم بودا در جنوب، مسیحی بودند. تعالیم صابئیان در یمن، حران، و مناطق شمال شرقی و تعالیم صابئیان در یمن، حران، و مناطق شمالی عراق شایع بود.

هم‌چنان که از فرمایشات امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه استفاده می‌شود، در دوره‌ی جاهلیت، مردم نه فرهنگ سالم داشتند و نه از بهداشت بهره‌مند بودند.^۱

برادر ایشان، جعفر طیار نیز در هجرت به حبشه، در برابر نجاشی، اوضاع دوره‌ی جاهلی را چنین ترسیم می‌کند: «ما بت پرستانی بودیم که در آن روزها مردارخوار بودیم، بابتستان قطع رابطه و با همسایگان بد رفتاری می‌کردیم. قدرتمندان ما حقوق ناتوانان را پایمال می‌کردند تا این که خداوند پیامبرش را مبعوث کرد».^۲

در چنین شرایطی، پیامبر اکرم (ص) به رسالت برانگیخته شدند. این اتفاق در ۴۰ سالگی پیامبر (ص) در غار حرا در کوه نور روی داد و سرآغاز دین اسلام بود. طبق دیدگاه مشهور شیعه امامیه، این رویداد در روز ۲۷ رجب، ۱۳ سال

قبل از هجرت پیامبر (ص) روی داده است. قبل از هجرت پیامبر (ص) در اصطلاح اسلامی، به روزی گفته می‌شود پس «مبعث» در اصطلاح اسلامی، به روزی گفته می‌شود که پیامبر اکرم (ص) به پیامبری برانگیخته شده است.

متنی است که از طرف خداوند بر مردم گذاشته شده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» «فَلَوْ عَلَيهِمْ آيَاتُهُ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۳ «به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد که آ پیامبری از خودشان در میان

مهم‌ترین پیام بعثت

مهم‌ترین پیام بعثت، یکتاپرستی و تزکیه‌ی نفس است. بعثت، وحی را واسطه زمین و آسمان قرار داد و انسان‌ها را از سرگردانی در وادی ظلمت و تحبیر رها کرد. بر همین اساس است که حضرت امام خمینی (علیه السلام) می‌فرماید: «انگیزه‌ی بعثت، نزول وحی... و نزول قرآن است و انگیزه‌ی تلاوت قرآن بر بشر این است که تزکیه پیدا بکنند و نفوس مصفا بشوند، از این ظلماتی که در آن‌ها موجود است تا بعد از اینکه مصفا شدند، ارواح و اذهان آن‌ها قابل این بشود که کتاب و حکمت را بفهمند. انگیزه‌ی بعثت این است که ما را از این طغیان‌ها نجات دهد. ما تزکیه کنیم برای همگان نفوس خودمان را مصفا کنیم... اگر این توفیق برای همگان حاصل شد، دنیا یک نوری می‌شود نظیر نور قرآن و جلوه نور حق».^۴

منابع:
- تفسیر نور، جلد دوم، ص ۱۹۰.
- شهیدی، بعثت در بعثت‌نامه: مقالاتی درباره‌ی بعثت پیامبر اکرم (ص)، گردآورنده: محمد رصافی، تهران: صبح صادق، ۱۳۸۳.

- پی‌نوشت‌ها:
(۱) تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۹۰.
(۲) کامل‌التواریخ، ج ۲، ص ۸۰.
(۳) سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.
(۴) صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

پیام بعثت



مقدمه

در شماره قبل گفتیم که روح هم مانند جسم، دچار بیماری می‌شود. بنابراین نیاز به معالجه و پیگیری دارد و این مهم بر عهده علم اخلاق است. علم اخلاق مانند علم طب، دو وظیفه‌ی اساسی دارد. یعنی همان‌گونه که علم طب متوجه دو رکن درمان و پیشگیری است، علم اخلاق نیز در دو جهت کسب فضایل و دفع رذایل تلاش می‌کند. به همین جهت است که علم اخلاق را از زمان‌های دور «طب روحانی» می‌نامند. با همین دیدگاه است که جالینوس طبیب، در نامه‌ای که به خدمت حضرت عیسی بن مریم علیه السلام می‌نویسد، آن حضرت را این‌گونه خطاب می‌کند: «این نامه‌ای است از طبیب بدن‌ها به سوی طبیب روح‌ها».

تا این‌جا دریافتیم که علم اخلاق در مسیر تزکیه‌ی نفس تلاش می‌کند و تزکیه‌ی نفس نیز مانند هر کار مهم و بزرگی، مقدماتی دارد. که در اینجا به طور خلاصه به این مقدمات - که هر کدام در جای خود، زمینه‌ساز تزکیه هستند- می‌پردازیم.

مقدمات تزکیه نفس

هر شخصی که علاقمند به تزکیه نفس و پالایش روح خود باشد، ناگزیر است مراحل زیر را قدم به قدم با حوصله و جدیت طی کند.

۱- اجتناب از مصاحبت و همنشینی با افراد بد اخلاق، شرور و بدنام.

۲- همنشینی با انسان‌های خوش‌نام و شایسته و دارای کمالات اخلاقی و الگو قرار دادن رفتار ایشان و نیز مطالعه‌ی احوال انسان‌های با فضیلت.

۳- مراقبت دائمی از رفتار و گفتار خود و تأمل و تفکر قبل از اقدام به هر عملی و محاسبه‌ی روزانه اعمال و سرزنش خود در صورت انجام اعمالی که موافق صفات پسندیده و رضای خداوند نبوده، و اقدام به تنبیه نفس متناسب با عمل انجام شده. به طور مثال، اگر در طول روز شخص پرخوری کرده و یا خدای ناکرده لقمه‌ی ناپاک یا شبهه‌ناک خورده، فردای آن روز را روزه بگیرد.

۴- دوری کردن از آن‌چه باعث تحریک قوه‌ی شهویه یا غضبیه می‌شود.

چشم را محافظت نماید از آن‌چه که این دو قوه را به هیجان می‌آورد و گوش را از شنیدن صداهای محرک، و دل را از تصور و خیال آن محرکات نگه دارد و بیش از همه، البته در محافظت دل از اوهام و خیالات بکوشد.

۵- دائم در جستجوی معایب خود و رفع آن‌ها باشد و هیچ‌گاه فکر نکند که همه اعمالش صحیح است. شخص می‌تواند برای این کار رفتار خود را محاسبه کند و در اصلاح رفتار تا

رفع معایب خویش کوشش نماید.

تشخیص امراض نفسانی

همان‌گونه که گفته شد، علم اخلاق یا همان طب روحانی، مسئول سلامت نفس و دفع امراض است. قانون کلی در معالجه‌ی امراض جسمی و ایجاد سلامت بر سه رکن استوار است؛ ۱- شناخت مرض، ۲- عوامل و اسباب ایجاد مرض، ۳- معالجه‌ی مرض.

در شماره قبل ذکر شد قوای اربعه که حکم فرماندهان مملکت بدن را دارند، دارای آفات و امراضی هستند که در اثر عدم اطاعت از عقل، ایجاد شده و در نهایت صاحب خود را به ورطه‌ی هلاکت می‌اندازند.

علم اخلاق نیز در مسیر و جریان سلامت نفس تابع همان قانون کلی

قدم قدم

معالجه امراض است. به این نحو که:

۱) شناخت مرض: با مشاهده‌ی رفتار و عملکرد هر شخص، می‌توان به نوع بیماری و گرفتاری اخلاقی او پی برد.

۲) و اما اسباب و عوامل ایجاد امراض نفسانی و انحراف اخلاق از حد اعتدال بر چند قسم است که در اینجا به دو قسم آن به طور خلاصه اشاره می‌شود.

الف. خارجی: که به سبب عوامل و عوارض خارجی حاصل می‌شوند مانند محیط و همنشین نامناسب و بد. (معالجه: دوری از محیط نامناسب)

ب. جسمی: که به سبب مشکلات و ناراحتی‌های جسمی، عارض شخص می‌شود؛ مانند کسی که به دلیل بیماری جسمی، کم‌حوصله و بداخلاق می‌شود. (معالجه: تلاش در جهت بهبود بیماری جسمی)

۳) و اما معالجه‌ی امراض نفسانی از این قرار است که هرگاه عامل مرض شناخته شد، متناسب با آن، معالجه صورت می‌گیرد. این موضوع در آینده بیشتر پی‌گیری می‌شود.

اخلاق حسنه و ذمیمه و فواید و مفاصل آن‌ها

پیش از این گفته شد که قوای اربعه (قوه شهوت، غضب،



وهم، عقل) در ایجاد و ظهور صفات اخلاقی دخالت دارند و نیز ذکر شد که کمال قوا در اطاعت از (عقل) است و هرگاه همه‌ی قوا به کمال برسند، صفت عدالت محقق خواهد شد. پس عدالت امری است جامع تمام صفات کمالیه به شرط اطاعت سه قوه غضبیه و شهویه و وهمیه از عقل، و این که عدالت، وظیفه‌ی برقراری تعادل بین عملکرد قوا را بر عهده دارد.

حال که دریافتیم صفت شریف عدالت چه وظیفه‌ی مهمی بر عهده دارد، به بیان موارد ظهور آن می‌پردازیم.

موارد ظهور عدالت

صفت عدالت به طور کلی در چهار مورد به ظهور می‌رسد:

۱. در اخلاق، ۲. در عطایا و تقسیم اموال، ۳. در معاملات، ۴. در حکمرانی و سیاست.

در هریک از موارد فوق، عادل،

مهم است؛ چرا که ساحت کبریایی آفریدگار از نیاز به سپاس و قدردانی می‌رست ولیکن در مقام سپاس بر بندگان واجب است در کسب معرفت و محبت او تلاش کنند و در اطاعت اوامر و فرمان او کوتاهی نکنند تا از این راه به قله‌ی انسانیت برسند و به بارگاه ربوبی راه یابند و در تحقق یافتن هدف خداوند از خلقت قدم بردارند.

۲. رابطه‌ی بین بنده و مردم: رعایت عدالت در رابطه با مردم مقتضای آن است که آدمی به حق خود راضی بوده و ظلم به احدی را روا ندارد و حقوق مردم را که خداوند برای آن‌ها قرار داده، در حق ایشان به جا آورد.

در رابطه با حقوق مردم و برادران دینی، احادیث و روایات فراوانی وجود دارد اما در اینجا به یک حدیث کفایت می‌کنیم.

ابراهیم بن عمر یمانی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمودند:

«حق مسلمان بر مسلمان این است که:

- ۱- تا دوستش گرسنه و تشنه است، خود سیر و سیراب نباشد و اگر برادر مسلمانش لباس ندارد، برای او لباس تهیه کند.
- ۲- دوست بدارد برای برادر مسلمانش آن چه برای خود دوست دارد.
- ۳- نیاز برادر مسلمانش را برآورده سازد و هنگام نیاز، از او کمک بخواهد.
- ۴- از هیچ کار خوبی درباره‌ی او دریغ نکند و خسته نشود.
- ۵- از او حمایت کند.

- ۶- در غیبت او، از اسرار وی نگهداری کند.
- ۷- به دیدار او برود و او را گرمی بدارد.
- ۸- هرگاه برادر مسلمان از دوستش گلّه داشته باشد، از او عذرخواهی کند.
- ۹- هرگاه از برادر مسلمان به شخص، خیر می‌رسد، خدا را سپاس گزارد و اگر گرفتار بود، او را یاری دهد»^۱.

۳. رابطه‌ی بین زندگان و ذوی الحقوق ایشان

از اموات: مانند این که قروض مردگان خود را ادا کنند، وصیت ایشان را به جا آورند و ایشان را یاد کنند به نیکی و دعا.

پس از این مقدمات، می‌رسیم به معالجه‌ی اخلاق ذمیمه متعلق به قوه‌ی عاقله، که در آینده پی‌گیری خواهد شد.

منبع: - برداشتی از کتاب «معراج السعادة»، ملا احمد نراقی.

پی‌نوشت:

(۱) اصول کافی، ج ۴، ص ۵۰۵.

تا خدا

قسمت سوم

کسی است که میل به یک طرف نکند و از افراط و تفریط بپرهیزد و در هر امری، حد وسط و میانه (اعتدال) را رعایت کند، که در غیر این صورت، قدم در جاده‌ی ظلم و ستم نهاده است. البته لازم به ذکر است که نگه داشتن حد وسط، منوط به این است که شخص علم به میزان عدل و اعتدال بین امور داشته باشد و این امر در صورتی ممکن است که فرد قواعد شریعت الهی را بداند و از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) پیروی کند.

اقسام عدالت

هر شخص در ارتباطات خود، واجب است که در سه وجه عدالت را رعایت کند:

۱. رابطه‌ی بین فرد و خداوند: از آنجا که رابطه‌ی بین ما و خداوند، رابطه‌ی مخلوق و خالق است و اصل هستی ما و تمام نعمت‌های عالم که ما از آن برخورداریم، عطایای رحمانی است و نیز توجه به این نکته‌ی اخلاقی که اگر ما در برابر لطف و احسان کسی سپاسگزاری نکنیم، مرتکب ظلم نسبت به او شده‌ایم. عدالت ایجاب می‌کند که سپاسگزار نعمت‌های الهی باشیم. اما نوع این سپاسگزاری نیز





هر چه وقت می گذشت، اضطراب فاطمه هم بیشتر می شد و ازدحام جمعیت را که می دید، او را بیش از پیش، از پیدا کردن مادرش ناامید می کرد.

آدم های اطرافش خیلی از او بلندتر و درشت تر بودند. فاطمه تازه ده سالش تمام شده بود و تا این سن، بیشترین شلوغی که دیده بود، مربوط به روز عاشورا بود ولی حالا با آن جثه ی کوچکش در میان جمعیتی گم شده بود که برای اعمال حج در مسجدالحرام جمع شده بودند. انواع و اقسام آدم ها، سفید، سیاه، پیر، جوان، زن و مرد و تازه، زبان آن ها را هم نمی فهمید و نمی توانست به کسی بفهماند که گم شده. در این حالات پراضطراب، خاطرات چند ماه اخیر به سرعت از ذهنش می گذشت. زمانی که مادر تصمیم گرفته بود در این سفر سخت، فاطمه را با خود همراه کند و با مخالفت پدر مواجه شده بود. اما مادر اصرار داشت و مطمئن بود که فاطمه توانایی این سفر زیارتی را دارد. سیدعلی اکبر که هر جمعه در خانه شان روضه ی امام حسین (علیه السلام) را می خواند، گفته بود سفر سختی است و کودک ده ساله هم که مستطیع نیست که بر او واجب باشد. اما مادر گفته بود اگر من از اموال خودم به فاطمه ببخشم، آیا او مستطیع است؟ و سیدعلی اکبر گفته بود: بله، در این صورت مستطیع است، و مادر این کار را کرده بود تا حتماً فاطمه را با خود همراه کند.

حالا فاطمه به خاطر لحظه ای غفلت، در میان ازدحام جمعیت از مادر جدا افتاده بود و ترس و وحشت بر او غالب شده بود و باز یادش افتاد در میان راه وقتی که متوجه شدند کاروان راه گم کرده و ذخیره ی آب رو به اتمام است، مادر به او گفته بود کسی هست که گم شدگان صحرا را نجات می دهد. مطمئن باش ما هم اگر گم شویم، به سراغ مان می آید. فقط کافی است از ته دل او را صدا بزنیم و به او متوسل شویم. کمک مان می کند. نگران نباش...

و حالا او گم شده بود. اما نه در صحرا؛ که نزدیک خانه ی خدا. مدتی فکر کرد. نمی دانست چه دعایی بخواند یا چطور حرف بزند. بعد تصمیمش را گرفت. همان طور راحت و ساده شروع کرد با امام زمان (عج) صحبت کردن:

آقا! کمکم کنید. می بینید چقدر نگرانم. حتماً مادرم هم الآن نگران و هراسان است. به خاطر او که این همه باایمان است، این همه شما را دوست دارد، یاری ام کنید. کاری کنید تا پیداایش کنم. خودتان که می دانید ما دیر به اینجا رسیدیم و هر طور است باید امروز اعمال مان را انجام دهیم. قرار بود فردا برای بقیه ی اعمال به صحرای عرفات برویم. می ترسم حجم باطل شود یا نیمه کاره بماند. آن وقت مجبور شوم سال بعد هم به این سفر سخت بیایم. آقا کمکم کنید...

حالا حسابی اشک می ریخت و پیش چشمانش همه چیز تار و نامعلوم بود. با گوشه ی چادر، اشک هایش را پاک کرد. احساس کرد کسی روبه رویش ایستاد. با ترس، سرش را بالا آورد. مردی با قدی بلند و چهره ای گشاده بالای سرش ایستاده بود و با چشم های مهربانش به او نگاه می کرد و لبخند می زد. مرد به او سلام کرد و فاطمه که انتظار این را نداشت، با چشم های گرد شده، جواب سلام مرد را داد. حالا مرد نامش را صدا می زند و این امر بر تعجب فاطمه افزود. مرد پرسید: گم شده ای؟

- خدای من! او فارسی حرف می زند! بالآخره یک نفر هم زبان پیدا کرده بود. حالا مطمئن بود که مادرش او را فرستاده است. با خوشحالی از جایش برخاست اما به ذهنش رسید چرا مادرم خودش نیامده و این آقا را فرستاده است؟! نکند برای مادرم اتفاقی افتاده باشد؟ نگران رو کرد به مرد غریبه و با صدای لرزان پرسید: شما از طرف مادرم آمده اید؟ مرد فقط پاسخ داد: نه.

زانوانش سست شد و بی اختیار بر زمین نشست و با ناله گفت: پس مادرم کجاست؟

حالا مرد، استوار و قاطع او را صدا می زد و می گفت: نگران نباش. بیهوده اینجا نشسته ای. طواف را به جا بیاور. فاطمه سرش را تکان داد و زیر لب گفت: چه طور اعمالم را انجام دهم. اگر وارد این جمع شوم، فوراً زیر دست و پا می افتم و له می شوم. تازه از اعمال حج هم چیزی بلد نیستم. هر چه



یاد گرفته بودم، در این یک ساعت به کلی از یادم رفته است. صدای مرد، او را به خود آورد: این‌ها با من! هر کاری من می‌کنم، تو هم انجام بده. نترس! جرأت داشته باش!

فاطمه احساس کرد نیرویی غریب در وجودش شکل گرفت، به نرمی از جا برخاست. دیگر احساس یأس نمی‌کرد. حتی نگران مادرش هم نبود. مرد راه افتاده بود و او باید پشت سرش حرکت می‌کرد. حس می‌کرد از وجود مرد، نیرویی ساطع می‌شود که به او امنیت خاطر و آرامش می‌دهد. عجیب بود، با وجود این همه جمعیت فشرده، کسی به او تنه نمی‌زد و به او فشاری نمی‌آورد. گویی، دستی نامرئی همه را کنار می‌زد تا آقایی که او پشت سرش می‌رفت، به راحتی جلو برود. حالا با کعبه، فاصله‌ی چندانی نداشتند. مرد رویش را برگرداند و گفت: از اینجا به بعد، باید نیت طواف کنی. می‌دانی که باید هفت بار دور خانه‌ی خدا بچرخی. از حجرالأسود شروع می‌کنیم. چند قدم جلوتر ایستاد و به سویی اشاره کرد. جمعیتی که یکدیگر را می‌فشردند و کنار می‌زدند تا خود را به حجرالأسود برسانند، بدون آن که کسی جلویشان را بگیرد، یا مرد چیزی بگوید، آرام کنار رفتند. مرد خم شد و سنگ را بوسید. بعد به دختر هم اشاره کرد تا آن را ببوسد. فاطمه جلو رفت، دست‌هایش را دو طرف سنگ گذاشت، صورتش را جلو برد و سنگ برآق سیاه را بوسید و دوباره خود را به مرد رساند. مرد گفت: حالا طواف را شروع می‌کنیم. نیت کن!

فاطمه نیت کرد و راه افتاد. در تمام مدتی که دور خانه‌ی خدا می‌چرخید، کسی او را هل نداد و چه زود، راحت و آسوده دوباره به جایی رسید که طواف را از آنجا آغاز کرده بود. مرد رویش را برگرداند و گفت: باز هم حجرالأسود. من آن را می‌بوسم و تو هم این کار را بکن. و دوباره همان قضیه تکرار شد. چند دقیقه بعد، پشت مقام ابراهیم ایستاده بودند. باورش نمی‌شد که در این شلوغی و ولوله‌ی عجیب، به راحتی و سرعت، هفت بار طواف کرده و در هر بار هم، حجرالأسودی که دیگران برای لمس یک لحظه‌اش دست و پا می‌زنند، بوسیده است.

حالا باید دو رکعت نماز طواف می‌خواند؛ آن هم پشت مقام ابراهیم. مرد جلوتر از او ایستاده بود و نمازش را می‌خواند و او مات و مبهوت لحن زیبای مرد بود.

کمی بعد، فاطمه هم الله‌اکبر گفت و به نماز ایستاد. نماز تمام شده بود که مرد رو به او کرد و گفت: برنامه‌ی طواف، دیگر تمام شده. دیدی نگرانی نداشت! خیالت آسوده شد؟ راست می‌گفت، چه قدر خود را مدیون این مرد می‌دانست. دیگر از نگرانی نرسیدن به اعمال حج، رهایی یافته بود. به یاد اضطراب و اشک و ناله‌ی یک ساعت پیش خود افتاد و لبخندی زد. حالا چه قدر آسوده بود و آرامش خیال داشت. نمی‌دانست چه‌طور از این غریبه‌ای که چون فرشته‌ای به نجاتش آمده بود، تشکر کند...

مرد برگشت و به او گفت: آن طرف را نگاه کن، مادر و همسفرانتان آن‌جا هستند. بقیه‌ی اعمال را با آن‌ها انجام بده. فاطمه سراسیمه برگشت و نگاه کرد. مادرش در چندقدمی او ایستاده بود و نگران به این طرف و آن طرف نگاه می‌کرد. همه‌ی افراد کاروان هم بودند. نفهمید چه‌طور بلند شد و دوید به طرف مادر. اما در میانه‌ی راه، نیرویی عجیب او را از رفتن باز داشت: «این مرد که بود، که مرا می‌شناخت؟ مادرم و همراهان ما را هم می‌شناخت؟ فارسی هم صحبت می‌کرد؟!»

به سرعت روی برگرداند و به جایی نگاه کرد که از مرد جدا شده بود. اما مرد نبود. روی زمین مسجد، جای خالی او هنوز پر نشده بود. شگفت‌زده و حیران، نگاهی به اطراف انداخت و سراسیمه و به سرعت چهره‌ی تک‌تک آدم‌هایی را که می‌دید، از نظر گذراند. چند قدمی که رفته بود، باز گشت اما هیچ اثری از آقایی که یاری‌اش کرده بود، نمی‌دید. او رفته بود.

آرام به طرف مادرش حرکت کرد. در دو، سه قدمی او بود که چشم‌های نگران و جستجوگر مادر به او افتاد. لحظه‌ای در جای خود خشک شد. سپس فریادی کشید و به طرف او دوید. مادر، دخترش را در آغوش گرفت و سر و روی دختر را بوسید و بعد شروع کرد بلندبلند گریستن. فاطمه با دست‌هایش اشک‌های مادر را پاک کرد و گفت: «راست می‌گفتی مادر، اگر از ته دل صدایش بزنی، به کمک‌مان می‌آید».

ساعتی بعد، سعی بین کوه صفا و مروه تمام شده بود و هر دو، رو به روی کعبه نشسته بودند. مادر که در تمام هفت باری که بین صفا و مروه رفته بودند، از خوشحالی اشک ریخته بود، فاطمه را به سینه‌اش فشرد و گفت: «کاش پدرت کنار ما بود و می‌دید چه‌قدر این‌جا مثل قیامت است!»

- برگرفته از کتاب «تماشای آفتاب»، محمدتقی اختیاری

مسافر قیامت

مهدویان دروغین

نام داشت و کنیه‌اش «ابوعمران» بود. او در اعمال و رفتار خود بسیار افراط می‌کرد و محمدحنفیه را وصی حضرت علی (ع) می‌دانست و مختار را نایب او معرفی می‌کرد.^۲

کیسانیه معتقدند: محمد حنفیه پس از شهادت برادرش حسین بن علی (ع) مختار را بر عراق، فرمانروایی داده و از او خواسته از قاتلان آن حضرت، خونخواهی کند.

کیسانیه، ۶ سال پس از شهادت امام حسین (ع) قیام کرده و قاتل به امامت محمدحنفیه شدند. آنان معتقد بودند: «وی اسرار دین و علم تأویل و علوم باطنی را از دو برادرش امام حسن و امام حسین (ع) فرا گرفته است». بعضی از کیسانیه، ارکان شریعت را مانند نماز و روزه، تأویل کرده و قاتل به تناسخ و حلول بودند. تمام فرق «کیسانیه» به امامت محمدحنفیه و روا بودن بداء بر خداوند هم‌داستان بودند.^۳

کیسانیه پس از درگذشت محمدحنفیه، به دو شعبه تقسیم شدند؛
* **دسته‌ای**، وفات محمدحنفیه را انکار کرده، گفتند: «وی نمرده و نمی‌میرد و زنده است، اما غایب شده و در «کوه رضوی» پنهان است تا روزی که به او، امر شود و ظهور کند». این دسته، وی را همان «امام منتظر» می‌دانند و هیچ کس را پس از وی، «امام» نمی‌دانند.
* **گروه دیگر**، مرگ محمد را باور کرده، پس از وی، ابوهاشم عبدالله بن محمد را به امامت برگزیدند و به حلول روح محمدحنفیه در ابوهاشم اعتقاد یافتند.

- شماری از کیسانیه نیز، پس از وفات محمدحنفیه، به امامت راستین اعتقاد یافته و مستبصر شدند.^۴

از جمله‌ی اینان می‌توان سید اسماعیل حمیری را نام برد که نخست، کیسانی مذهب بود تا آن که به دیدار امام صادق (ع) نائل شد و نشانه‌های امامت و جانشینی را در ایشان دید و از ایشان درباره‌ی غیبت سؤال کرد. امام صادق (ع) پاسخ فرمودند: «آن حق است ولیکن غیبت در امام دوازدهم واقع می‌شود». آن گاه سید را از مرگ محمدحنفیه آگاه فرمودند و این که پدرشان امام باقر (ع) شاهد به خاک سپردن او بوده است، حق، بر سید روشن شد و از آن عقیده برگشت و استغفار کرد. پس به حق گرایید و به مذهب امامیه درآمد.^۵

برخی هم درباره‌ی فرقه‌ی کیسانیه گفته‌اند:

(۱) محمدحنفیه اصلاً ادعای مهدویت نداشته است.

(۲) گفته شده مختار ثقفی، مدعی مهدویت محمدحنفیه نبود. این اتهامی است که عباسیان و برخی از دشمنان، با انگیزه‌های مختلف به آن دامن زده‌اند.^۶

اما «کیسانیه» بعد از محمدحنفیه، دوازده فرقه شدند که نام ایشان، در کتاب‌های ملل و نحل ذکر شده است.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷.

(۲) نوبختی، فرق الشیعه، ص ۲۳ و ۲۴.

(۳) محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۷۳.

(۴) مقالات الاسلامیین، ص ۲۳.

(۵) شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه.

(۶) محمد بن حسن طوسی، الغیبه، فصل ۱۰، الدلیل علی فساد قول کیسانیه.

مهدویت و آموزه‌های آن، سابقه‌ای طولانی در اسلام دارند و نقش تأثیرگذارشان بر کسی پوشیده نیست. از طرفی، مسلمانان، بخصوص شیعیان، به این امر بنیادین، اعتقاد راسخ داشته و آن را یکی از باورهای اصولی و اصیل خویش برمی‌شمارند.

بی‌شک، هر چه باوری، واقعی‌تر و اصیل‌تر باشد، در قلوب توده‌های مردم بیشتر رسوخ می‌نماید و برای آن‌ها بااهمیت‌تر می‌باشد و چشم طمع افراد سودجو و منحرف هم بیش‌تر متوجه آن شده و درصدد سوءاستفاده از آن برخواهند آمد.

مهدویت به جهت ویژگی‌های اصیل و پرجاذبه‌ای که دارد، بیش‌تر در معرض سوءاستفاده‌ی افراد منحرف قرار گرفته است. با نگاهی به تاریخ، پیشینه‌ی طولانی فرقه‌های منحرف که به قرن نخست برمی‌گردد را می‌یابید، زیرا تا باوری اصیل و واقعی نباشد، باورهای دروغین و غیرواقعی، در اطراف آن شکل نخواهد گرفت.

در مبحث مهدویت، به افراد و جریاناتی برخورد می‌کنیم که بر اثر انگیزه‌های جاه‌طلبانه، وسوسه‌ی قدرت، شهرت و دنیاطلبی و ... به دروغ ادعای مهدویت نموده و خود را همان «مهدی نجات‌بخش» معرفی کرده‌اند و یا طرفداران افراطی آن‌ها، برای پیشرفت دنیوی خود، آن‌ها را «مهدی نجات‌بخش» مطرح کرده‌اند که بعد از مدتی، فساد و تباهی اعمالشان هویدا شده و با خدشه وارد کردن در متون تاریخی، با فریب کاری، چهره‌ی «مهدی اصیل» را خدشه‌دار و سرانجام نتیجه می‌گرفته‌اند که اگر مهدویت این است، ما با آن مخالفیم و آن را انکار می‌کنیم.

در این میان، معتقدان واقعی مهدویت باید آگاه و هشیار بوده و دست «فریبکاران مهدی‌نما» را رو کرده و برای شناسایی مهدویت اصیل کوشش نموده تا سره از ناسره کاملاً مشخص شود و این زمینه فراهم نشود که هر روشنفکری بتواند اصل مهدویت را زیر سؤال ببرد و این اتهام را متوجه امامیه کند؛ چرا که سیر امامیه مشخص است. امامیه‌ای که معتقد است مهدی به دنیا آمده و زنده است و ان‌شاءالله با آماده شدن شرایط ظهور، روزی ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر خواهد نمود. در این جا برای شروع بحث، به برخی از مهم‌ترین فرقه‌ها و افراد منحرف در مهدویت، قبل از تولد حضرت مهدی (ع) اشاره می‌کنیم:

۱) کیسانیه

یکی از فرقه‌ها و شاید اولین فرقه‌ای که در مهدویت دچار انحراف شد، «کیسانیه» بود. درباره‌ی علت نامگذاری این فرقه به «کیسانیه»، اختلاف نظر وجود دارد؛

۱- برخی دیگر نوشته‌اند: اینان پیروان «کیسان»، آزادشده‌ی امیرالمؤمنین علی (ع) هستند. کیسان، شاگرد محمد حنفیه بود ولی از امام حسن و امام حسین (ع) علوم مختلف را آموخت اما به امامت محمدحنفیه قائل شد و برای او مراتب و درجاتی دانست که خارج از حد وی بود.^۱

۲- برخی نوشته‌اند: کیسانیه، پیروان مختار ثقفی بودند. زیرا او ملقب به کیسان بود. از این رو «کیسانیه» خوانده شدند.

۳- شماری هم نوشته‌اند: فرماندهی پلیس (شرطه) مختار، کیسان

شعبان

سلام بر شعبان و اعیادش ...
سلام بر حسین و عباسش ...
سلام بر سجاد و سجودش ...
سلام بر علی اکبر و جوانیش ...
و سلام بر نیمه‌ی شعبان و ان شاء الله ظهور مولودش ...

آغاز ماه رسول الله ﷺ
و ماه شادی آل الله ﷺ مبارک

ماه شعبان، ماه ختم الانبیاست
ماه میلاد معز الاولیاست
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ»^۱.
خوشا به حال آنان که در نهر پاکیزه‌ی رجب، جان خود را شسته‌اند و سپیدروی وارد ماه عزیز شعبان می‌شوند، ماه پیامبر اکرم ﷺ.
طلوع ماه شعبان، ماه رسول خدا ﷺ، مطلع نور، ماه آماده‌سازی روح برای ورود به ماه ضیافت الله بر عموم شعبانیان مبارک باد.
شعبان ماه شریفی است؛ چنانچه پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «این ماه، ماه من است. حاملان عرش آن را بزرگ می‌شمارند و حق آن را می‌شناسند».

در دعای روزهای ماه شعبان می‌خوانیم:
«اللَّهُمَّ قَاعِنَا عَلَى الْأَسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ»^۲؛
خدایا! مرا یاری فرما تا به روش و سنت پیامبرت نزدیک شوم و به آن عمل کنم.
آن خودسازی که از رجب شروع شده، در شعبان المعظم ادامه یافته و کم‌کم کامل

می‌شود تا صاحب آن لیاقت ورود به ماه مبارک رمضان را پیدا کند. شخص سالک باید در ماه رجب، خالص شود تا بتواند ولایت و نبوت را در شعبان درک کند و از این دروازه وارد شهر خدا شود.
ماه شعبان، یکی از سه ماه پرفضیلتی است که هر انسان مؤمنی می‌تواند از آن برای نزدیک شدن به خداوند و پیامبر او یاری جوید و خود را در چشمه‌سار این ماه، پاک نماید و به سوی کمال رود.
آری، ماه شعبان ماه دعا و مناجات با خداست. ماه تهذیب و آمادگی برای ورود به زیباترین ماه سال، ماه مبارک رمضان است.
در روایت مفصلی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چنین نقل شده است:
«... پروردگار عالمیان این ماه را به جهت پراکنده شدن خیرات در میان خلق «شعبان» نام نهاد و درهای رحمت خود را بر روی خلق گشود. خداوند در روز اول شعبان امر می‌کند تا درهای بهشت را باز کنند و درخت طوبی شاخه‌های خود را به دنیا نزدیک گرداند. و هر کار خیری در این ماه، صاحبش را بهشتی می‌کند و ...»^۳.
پس به هوش باشید تا این ماه را دریابید و از برکات آن، بهره‌ی وافر ببرید.

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) مفاتیح الجنان، صلوات شعبانیه، روایت از امام سجاد (علیه السلام).
- (۲) همان.
- (۳) مفاتیح الجنان، فضیلت ماه شعبان.

روی زمین، دست به دعا برمی‌دارد و تقاضای کشف سوء می‌کند. خداوند نیز این دعا را سرآغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار می‌دهد و به مصداق «يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» او و یارانش را جانشینان روی زمین می‌کند.^۴

منصور

به معنی یاری شده است. امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریف «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»؛^۵ آن کشته‌ی مظلوم را امام حسین (ع) معرفی نموده و منصور را در آیه «إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا»^۶ به امام زمان (ع) تأویل فرموده است.

و امام می‌فرمایند: مقصود، امام زمان (ع) است که نامش در این آیه، «منصور» می‌باشد؛ چنان که خداوند احمد و محمد را، محمود و عیسی را مسیح خوانده است.^۷

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «نهمین فرزند از فرزندان حسین که قائم اهل بیت من و مهدی امت من است... و با نصرت خدا، مؤید و با یاری ملائکه منصور می‌گردد».^۸

در دعای ندبه نیز آمده است: «أَيُّنَ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى»؛ کجاست آن یاری‌شده و پیروز بر تجاوزگران و گرافه‌گویان؟

همچنین در زیارت عاشورا دعا

مضطّر

یکی از اموری که می‌تواند معرفت و شناخت ما را نسبت به حضرت مهدی (ع) افزایش دهد، آشنایی با القاب آن حضرت و معانی آن است. با توجه به عنایت معصومین (ع) به استفاده از القاب خاص برای آن حضرت، روشن می‌شود که برخی از اوصاف و ویژگی‌های آن حضرت چگونه است.

در اینجا به سه نمونه از القاب اشاره می‌شود:

مضطّر در لغت به معنای کسی است که بیماری، فقر یا سختی‌های روزگار، او را ناگزیر به تضرع در درگاه خداوند کرده است.^۱

در برخی روایات از این لقب به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی (ع) یاد شده و در قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته است:

«أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ»؛^۲ آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطّر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را برطرف می‌سازد.

در برخی از روایات، این آیه تفسیر به حضرت مهدی (ع) و قیام ایشان شده است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «این آیه در مورد مهدی از آل محمد (ع) نازل شده است، به خدا سوگند مضطّر او است، هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز به جا می‌آورد و دست به درگاه خداوند متعال برمی‌دارد، خداوند دعای او را اجابت می‌کند، ناراحتی‌ها را برطرف می‌سازد و او را خلیفه‌ی روی زمین قرار می‌دهد».^۳

پس بدون شک، یکی از مصداق‌های روشن این آیه، امام عصر (ع) می‌باشند. در زمانی که بشریت در بن‌بست سختی قرار می‌گیرد و حالت اضطرار در کل عالم نمایان می‌شود، در این هنگام حضرت مهدی (ع) در مقدس‌ترین نقطه‌ی



کرده است: «... و قائم را از آن جهت «مهدی» گفته‌اند که مردم را به آیینی که از دست داده‌اند، هدایت می‌کند».^{۱۱}

اما آن‌چه بیشتر در روایات آمده، همان معنای نخست است. امام باقر (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«به درستی که مهدی نامیده شد، به جهت این‌که به امر مخفی هدایت می‌شود. او تورات و سایر کتاب‌های الهی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد».^{۱۲}

امام صادق (علیه السلام) نیز در پاسخ پرسشی فرمودند: «لأنَّه یهدی إلى کلِّ أمر خفی»^{۱۳}؛ به جهت این‌که به تمامی امور پنهان هدایت می‌کند.

این لقب از همان آغاز شکل‌گیری بحث «مهدویت» بر زبان معصومین علیهم السلام رایج بوده و در روایات فراوانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این لقب بیان شده است. بنابراین در کتاب‌های اهل سنت نیز فراوان این لقب آمده است.^{۱۴}

می‌کنیم که:
«أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ شَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ»؛ روزی‌مان گردان تا با امام منصور از اهل بیت (علیهم السلام) خون‌خواه تو باشیم.

در احادیث فراوانی آمده است که حضرت مهدی (علیه السلام) «منصور بالرعب» و «مؤید بالتصر» است؛ یعنی به هنگام ظهور، رعب او در دل‌های قدرتمندان می‌افتد و به نصرت الهی، مؤید و با ملائکه یاری می‌شود. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «انقلاب مهدی را سه سپاه یاری می‌کنند و در پیروزی او شرکت دارند: سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب و وحشت».^{۱۵}

محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمودند: «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ»^{۱۶}؛ قائم ما به (افتادن) ترس در دل دشمنان، یاری می‌شود.

مهدی

یکی از مشهورترین القاب قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) «مهدی» است. «مهدی» اسم مفعول و به معنای هدایت‌شده است. کلمه «مهدویت» نیز برگرفته از همین ریشه است. این واژه در بین اهل سنت، از شهرت بیشتری برخوردار است؛ به گونه‌ای که آن حضرت بیشتر با این واژه نزد آن‌ها شناخته می‌شوند. البته گاهی نیز در معنای فاعلی به معنای «هدایت‌کننده» به کار رفته است. محمد بن عجلان از امام صادق (علیه السلام) نقل

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.
- (۲) سوره نمل، آیه ۶۲.
- (۳) تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۴؛ الغیبه، ص ۱۸۱، ح ۳۰.
- (۴) تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۲-۵۲۱.
- (۵) سوره اسراء، آیه ۳۳.
- (۶) همان.
- (۷) تفسیر فرات کوفی، ص ۲۴۰.
- (۸) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹، ح ۱۸۷.
- (۹) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹.
- (۱۰) کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.
- (۱۱) الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲.
- (۱۲) علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳؛ الغیبه، ص ۲۳۷، ح ۲۶.
- (۱۳) همان، ص ۴۷۱.
- (۱۴) سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۲۴۸۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۰، ح ۴۰۸۵، ۴۰۸۶، ۴۰۸۷ و ۴۰۸۸.

فضایل این جوان از ستارگان، افزون و خصلت‌های نیکوی وی، برتر از همگان، زبان از وصفش ناتوان و دشمنش چاره‌ای جز خضوع در برابر عظمت بی‌مانندش نداشت. این جوان خوش‌سیما، در گفتار و زیبایی صورت و سیرت و خلقت، شبیه‌ترین مردم به رسول الله ﷺ بود و جامع همه‌ی کمالات و صفات حسنه و اخلاق نیکو.

حضرت علی اکبر (علیه السلام) ناز جوانی را با نیاز به پروردگار همراه کرده و بدین‌گونه صورت زیبا را با سیرت دلربا درآمیخته بودند. شور و حرارت جوانی، هرگز ایشان را از دایره‌ی ادب، به‌ویژه در برابر پدر، خارج نکرده بود. این آموزگار جوان، رمز جاودانگی را به جوانان آموختند: حق‌محوری، ادب و فروتنی، ادب در برابر پدر، نه‌تنها به دلیل روابط عاطفی، بلکه پدر را، امام و مقتدای خویش می‌دانستند.

پدر نیز فقط بدان سبب که علی فرزند او بود، به او عشق نمی‌ورزید، بلکه او را جوانی نجیب، پاکدامن و پرهیزگار می‌دید و از این‌رو، او را گرمی می‌داشت. گرچه هیچ پدری نمی‌تواند حسین (علیه السلام) باشد و هیچ جوانی علی اکبر (علیه السلام) اما راه حسینی بودن و علی اکبرگونه بودن، به روی همه‌ی پدران و پسران باز است و او می‌تواند الگوی خوب و مناسبی برای جوانان ما باشد.

در روز یازدهم شعبان سال سی‌وسوم هجری، ستاره‌ای پرفروغ در آسمان خاندان عصمت و طهارت هویدا گردید که درخشش و تابش آن، شیعیان را در موجی از شادی و شعف فرو برد. پدر، نام او را علی اکبر نهاد. با ولادت این گوهر تابان در مدینه، رایحه‌ی عطرآگین رسول خدا ﷺ در فضای خانه‌ی وحی، بیش از پیش به مشام رسید. هرقدر که این نوگل باغ رسالت رشد می‌یافت، شباهت ایشان به جد بزرگوارش بیش‌تر نمایان می‌شد.

حضرت علی اکبر (علیه السلام) صفات جد خود را می‌دانست و همواره خود را به زینت این صفات آراسته می‌داشت؛ به‌گونه‌ای که به هنگام جوانی، در میان جمع و با دوستان خود، گشاده‌رو و شادمان بود ولی در تنهایی، اهل تفکر و عبادت خالصانه بود. در زندگی، آسان‌گیر، ملایم و خوش‌خلق بود. نگاهش را کوتاه می‌نمود و

به روی کسی خیره نمی‌شد. بیشتر اوقات بر زمین چشم می‌دوخت و با بینوایان و فقرا که از نظر ظاهری، در جامعه و نگاه دنیاطلبان، احترام چشمگیری نداشتند، نشست و برخاست می‌کرد، با آنان هم‌سفره می‌شد و با دست خود در دهانشان غذا می‌گذازد.

هرگز عیب‌جویی نمی‌کرد و از مداخلی نابجا و شنیدن چالپوسی افراد، دوری می‌کرد. از تحقیر بندگان خدا خودداری می‌ورزید. در طول عمر خویش به کسی دشنام نداد و ناسزا نگفت. از دروغ، تنفر داشت و صداقت و راستگویی، شیوه‌ی همیشگی او بود.

أَشْبَهُ النَّاسِ
خُلُقًا وَخُلُقًا وَمَنْطِقًا
بِرَسُولِ اللَّهِ

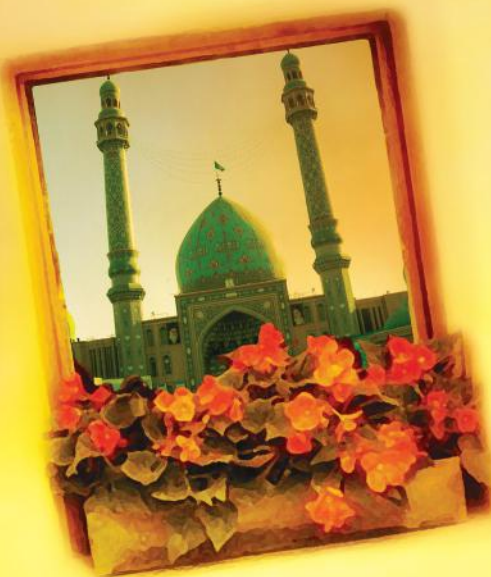
صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ

شبیه‌ترین مردم به پیامبر ﷺ

از دم باد بهاری زنده می گردد جهان
 از شمیم گل معطر شد مشام جان ما
 بوی پیراهن بیاید زین نسیم جان فزا
 بهر استقبال آن دُر دانه‌ی بحر وجود
 تا که آید نوبهار این دل مهجور ما
 کی شود تا خاک پایش را کنم گُل بصر^۲
 «خادمی» در انتظار نوبهار خویش باش
 تا فشانی جان به راه حضرت صاحب‌زمان^۱

پی نوشت‌ها:

(۱) نوعی دیبای منقش، حریر
 (۲) سرمه‌ی چشم، سنگ سرمه



دلشدگان دلبر جانان رسید
 موقع سرمستی و شور آمده
 وقت شکوفایی لبخند شد
 آینه و مصحف و آب آورید
 آب بپاشید و گل‌افشان کنید
 دیو غم و غصه به بند آورید
 فخر بشر، حجت ثانی عشر
 حب دگر در دل عشاق شد
 گفت سروشی: «شب قدر آمده»
 یوسف زهرای بتول^ع آمده
 چهره‌ی یوسف شده اندر حجاب
 مجمع دل‌های پریشان رسد
 موجب خشنودی زهرای^ع شود

منتظران نیمه‌ی شعبان رسید
 غمزدگان گاه سرور آمده
 موسم گل گفتن چون فند شد
 منتظران عطر و گلاب آورید
 دیر بندید و چراغان کنید
 مجمر و هم عود و سپند آورید
 آمده میلاد شه دادگر
 نور دگر شهره‌ی آفاق شد
 نیمه‌ی شعبان مه بدر آمده
 ناجی آئین رسول^ص آمده
 آن مه بدر است کنون در سحاب
 خوش بود آن روز که فرمان رسد
 چون ز پس ابر هویدا شود

دلبر جانان

اصل اسلام است و عشق آن امام
 «یاء» یدْلَه، دست حق بود از ازل
 چرخ گردون را بود محور علی
 این جهان سرگشته اندر کوی اوست
 خاک پایش سرمه‌ی چشم ملک
 مشعل افروز شب ظلمت علیست
 بی علی، دین خدا کامل نشد
 پس سخن کوتاه باید والسلام

دین خلاصه می‌شود در یک کلام
 «عین» او عشقست و «لامش» لم یزل
 جمله هستی، چون صدف، گوهر علی
 مهر و مه روشن ز نور روی اوست
 در طوافش ماه و خورشید و فلک
 ناخدای کشتی امت علیست
 بی علی اهداف حق حاصل نشد
 وصف او هرگز ننگجد در کلام



مشعل افروز شب ظلمت

شاعر: ابوالحسن خادمی



به دگرگونی در رفتار فرد شده و آن به انسجام و سازندگی اخلاق در جامعه منجر می‌شود که زندگی در چنین شرایطی آرمان و هدف هر انسانی می‌باشد.

پس آموزه‌ی مهدویت و انتظار، مهم‌ترین سرمایه‌ی معنوی برای اصلاح و رشد جامعه و داشتن سبک زندگی دینی است که باید به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

چگونه می‌توان سبک زندگی مهدوی داشت؟

هر چند جامعه مهدوی مربوط به زمان آینده است، اما امروز جامعه و فردای زندگی ما را در برگرفته و در واقع مهدویت چراغ روشن راه آینده ماست. انسان می‌تواند به عمق و ژرفای دین با تمسک به مهدویت، دست پیدا کند و سبک زندگی مناسبی داشته باشد.

چرا که تجلی تمام زیبایی‌های دین را می‌توانیم در مهدویت ببینیم. به همین دلیل در روایات از ما خواسته شده که در عصر غیبت به امام زمان ع اقتدا کرده و ایشان را الگوی خود قرار دهیم.

پیامبر گرامی اسلام ص می‌فرماید: «خوشا به حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند؛ در حالی که پیش از قیام؛ به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت من در نزد من هستند»^۱.

در روایات فراوانی، به سیره‌ی حضرت مهدی ع سفارش شده تا مورد توجه قرار گیرد و به برنامه‌های حضرت مهدی ع برای اصلاح جامعه و فرد و خانواده تأکید فراوان شده است که می‌تواند در شکل‌گیری سبک زندگی کمک شایانی بکند.

به عنوان نمونه دعاهایی که از امام زمان ع و ائمه‌ی دیگر ع به ما رسیده و ما هر روز برای ایشان می‌خوانیم، تمرینی برای یک زندگی مطلوب و

سبک زندگی عبارت است از: مجموعه قواعد و قالب‌هایی که با توجه به اخلاقیات، آداب و رسوم، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات به دست می‌آید و در انتخاب نوع زندگی و شکل دادن به عملکرد و رفتار، صحبت کردن، نشستن، خوابیدن، خوردن، راه رفتن، خرید کردن، پوشیدن، گفتگو کردن، ازدواج، تربیت فرزند، نگاه کردن، خندیدن و ... تاثیر بسزایی دارد.

فرهنگ و به طور اخص سبک زندگی یکی از حوزه‌های مهم زندگی انسان است و بخش‌های اساسی زندگی او را در بر می‌گیرد. در واقع هر نوع تغییر و تحول فرهنگی تأثیر مستقیمی بر سایر حوزه‌ها گذاشته و در رشد یا عقب‌ماندگی جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند.

بر این اساس سبک زندگی مهدوی، شیوه‌ی زندگی کردن است که تجلی‌گر زندگی منتظرانه و برگرفته از الگوی جامعه‌ی مهدوی و در راستای رسیدن به جامعه موعود و آرمانی است. مهدویت و انتظار، سرمایه‌ی معنوی است که می‌تواند منبع و منشأ معارف و سبک‌ها و مدل‌های مطلوبی برای زندگی فردی و اجتماعی و آینده نگر باشد و به همین جهت می‌تواند تأثیر خاصی بر شیوه زندگی ما یعنی نشست و برخاست، اندیشیدن، کار کردن، دانش آموختن، رفتار با دیگران از همسر و فرزندان تا آشنا و بیگانه و ... داشته باشد. آن‌چه که امروزه برای جامعه‌ی دینی ما مطرح است بکارگیری باورهای دینی و پیروی واقعی از الگوهای اسلامی در زندگی است. حضرت مهدی ع به عنوان بهترین الگوی زندگی در دوران غیبت کبری بوده و سیره و شخصیت معرفی شده ایشان در احادیث به عنوان یکی از بهترین منابع سبک زندگی دینی به شمار می‌رود.

انتخاب سبک زندگی دینی، منجر

سبک زندگی



سبک زندگی مهدوی است و هنگامی که آرزوهای خود را از طریق این دعاها بیان می‌کنیم، برای ما درس زندگی است. در یکی از دعاهایی که امام زمان (عج) خود بیان فرموده‌اند، آمده است: «**خدایا ما را توفیق طاعت و دوری از معصیت روزی گردان**»^۱. همچنین می‌فرمایند: «**خدایا به زنان ما عفت و حیا عطا کن**»^۲ که نشان‌دهنده توجه امام زمان (عج) به مسئله‌ی اطاعت از خداوند و دوری از گناهان و حیا و عفت بانوان است.

ویژگی‌های سبک زندگی مهدوی کدام است؟

امام‌محوری، اصلی‌ترین ویژگی سبک زندگی مهدوی است. بهترین راه تشکیل سبک زندگی با محوریت امام زمان (عج) این است که، باید بدانیم که او **شاهد و ناظر اعمال ماست**. در این صورت باید خود را در محضر امام معصوم ببینیم و ادب حضور را همیشه رعایت کنیم. ما به عنوان منتظران ظهور مصلح موعود، باید باور کنیم که امام مهدی (عج)، با وجود غیبت ظاهری، امام زنده و حاضر و شاهد بر اعمال ماست و آن حضرت مسئولیت‌هایی از ما می‌خواهند که باید به آن‌ها عمل کنیم.

امام به عنوان حجت الهی، معیار و شاخص است و ما وظایفی نسبت به آن حضرت بر عهده داریم. و چون ایشان غایب هستند، وظایف ما سنگین‌تر و مهم‌تر است که می‌تواند در ابعاد مختلف زندگی خود را نشان دهد. **معیار سنجش عملکرد افراد در دوران غیبت، میزان اطاعت و تبعیت از امام است.**

ویژگی دوم سبک زندگی مهدوی، **انتظار پیوسته و پویا** است. آنانی که دائم منتظر و چشم به راه قیام و ظهور حضرت مهدی‌اند، خود و خانواده را آماده می‌کنند، رفتارها و برنامه‌های خود را بر این اساس تنظیم می‌کنند و شیوه‌ی مناسب زندگی خود را بر اساس آمادگی و انتظار مداوم سامان می‌دهند. در واقع فرهنگ انتظار، فرهنگ اصلاح و دگرگونی و تغییر و رشد و حرکت و تعالی است. شاخصه و مؤلفه‌ی اصلی فرهنگ انتظار، همه‌ی آن تکالیف و وظایف و مسئولیت‌هایی است که در معارف دینی آمده است و البته وظایف و مسئولیت‌های ما سخت‌تر شده است و از آن طرف، فضیلت‌های ما هم برتر شده است و به همین جهت، **مردم زمان غیبت، اگر به وظایف خود عمل کنند، برترین مردم در تمام دوران هستند.** در این صورت نیاز هست که شیوه مناسب این فرهنگ در همه ابعاد زندگی اتخاذ شود.

مؤلفه سوم سبک زندگی مهدوی، **داشتن زندگی صالح یعنی رفتار و گفتار پاک و با تقوا و عفاف و ورع** است. به قول مشهور امام خمینی (ره) «**منتظران مصلح خود، باید صالح باشند**». این نوع نگاه به انتظار، معنای اصلی سبک زندگی انسان منتظر را توصیف می‌کند.

یکی از الگوهای وجود مقدس و برنامه‌های در روایات اصلی ما در عصر غیبت، حضرت مهدی (عج) و سیره ایشان است که به آن‌ها اشاره

شده است؛ مانند روایاتی که **شرط ظهور حضرت مهدی (عج) را صالح شدن مردم** قرار می‌دهد و سبب طول غیبت و تأخیر در فرج را نیز **گناهان و نافرمانی مردم از اوامر خداوند، پیامبر و ائمه (عج) می‌داند**. انتظار مطلوب در دین ما و انتظاری که مورد قبول و مؤثر است و برایش ثواب زیادی در نظر گرفته شده است، **انتظاری پویا، فعال و سازنده همراه با تهذیب نفس و اخلاق و عمل صالح است.**

امام صادق (عج) در روایتی به روشنی به این مطلب تاکید کرده و می‌فرماید: «**هر کس می‌خواهد از یاران قائم (عج) باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار، پرهیزگاری پیشه کند و به اخلاق نیکو آراسته شود و ...**»^۳.

منتظر واقعی کیست؟

منتظری که با پرهیزگاری و محاسبه‌ی اخلاق عمل می‌کند، یعنی دارای عمل صالح و اخلاق و معنویت باشد و صرف منتظر خالی بودن نباشد، منتظر واقعی است. پس منتظران واقعی باید توجه کنند که نه تنها این عملشان یک عمل عبادی است بلکه عملی است که انسان را تهذیب و پیراسته از پلیدی‌ها و گناهان می‌کند و او را در مسیر درست قرار می‌دهد.

یکی دیگر از کارهایی که باید منتظران در عصر غیبت انجام دهند، این است که مهدویت را تبدیل به شیوه و سبک زندگی کنند. فرد منتظر، وظیفه خود می‌داند که برای ظهور امام زمان (عج) هر چند کار و عمل کوچک باشد، انجام دهد تا رضایت خداوند و توفیق اطاعت از امام زمان (عج) را پیدا کند؛ امامی که غایب از دیدگان ولی حاضر در اجتماع است، امامی که حجت خداوند در روی زمین است و علاقه‌مندان و شیعیانش می‌خواهند به نوعی با این امام عظیم‌الشأن ارتباط قلبی و روحی و معنوی داشته و با امامشان پیوند داشته باشند.

این ارتباط چه موقع به وجود می‌آید؟ وقتی که بین ما و امامان نوعی سنخیت و هماهنگی وجود داشته باشد.

هر انسانی که دارای اخلاق و معنویت بالایی باشد و در تهذیب نفس خود بکوشد و عمل صالح انجام دهد، می‌تواند این همراهی را با امام داشته باشد، می‌تواند در پیچه‌های محبت امام (عج) را بر قلب خود باز کند و می‌تواند خود را با امام مرتبط و همراه سازد. امیدواریم که بتوانیم زندگی خود را براساس رضایت و محبت آن امام همام قرار داده و جزء منتظران واقعی ایشان بوده و با خودسازی، خود و جامعه را برای ظهور آن وجود مقدس آماده کنیم. ان شاء الله

پی‌نوشت‌ها:

(۱) کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ب ۲۵، ح ۳، ص ۵۳۵

(۲) مفاتیح‌الجنان، دعای فرج حضرت حجت (عج) به نقل از مصباح کفعمی.

(۳) همان.

(۴) الغیبة نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰.

دکمه مهدوی

حکومت جهان

وضعیت کنونی جهان با ضعفها و قوتها، نقاط مثبت و منفی، نظریه‌ها، آرمان‌ها، خواسته‌ها، نیازها، طرح‌ها و برنامه‌ها، بهترین و روشن‌ترین دلیل و برهان بر اثبات ضرورت حکومت جهانی حضرت مهدی عج و نیاز به آن است. درواقع حکومت جهانی از دیرباز، یکی از آرمان‌های انسان بوده است و اسلام نیز به عنوان برترین الگو از این حکومت نام برده و در آموزه‌های خود، به‌ویژه در سخنان معصومین ع بشارت به حکومت آن حضرت، علاوه بر احادیث معصومین ع در بسیاری از آیات قرآن نیز به چشم می‌خورد. از آن جمله: آیه ۵۵ سوره نور، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، آیه ۵ سوره قصص.

در مورد حتمی بودن وعده‌ی خداوند در حکومت جهانی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»؛ خداوند هرگز از وعده‌های خود تخلف نمی‌کند. از این رو حکومت حضرت مهدی عج به طور مسلم در همین دنیا برپا خواهد شد. روایات فراوانی در منابع شیعه و اهل سنت، حکومت مهدی موعود عج را امری مسلم دانسته و تحقق آن را حتمی می‌دانند. رسول گرامی اسلام ص در این باره می‌فرماید: «اگر از دنیا پیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا این که مردی از اهل بیتم برانگیخته شود و زمین را از عدل و قسط آکنده کند، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد»^۱.

عبدالله بن مسعود از رسول گرامی اسلام ص نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «دنیا به پایان نمی‌رسد تا آنکه امت مرا شخصی ولایت کند که از اهل بیت من است و مهدی نامیده می‌شود»^۲.

مقر حکومت حضرت مهدی عج

از روایات به روشنی استفاده می‌شود مرکز حکومتی حضرت مهدی عج شهر کوفه است. آنچه این شهر را دارای ارزش کرده این است که، امیرمؤمنان علی ع در سال ۳۶ هـ آن

را به عنوان مرکز خلافت خود برگزیدند. این شهر در تاریخ پرفرازونشیب خود، رویدادهای فراوانی را پشت سر گذاشته است.

شاید سبب این که این شهر سرانجام پایتخت حرکت عدل گسترانه‌ی حضرت مهدی عج خواهد شد، این باشد که نخستین شهری است که با ندای عدالت‌خواهانه‌ی امام علی ع سرآغازی بر عدل گستری به سایر مناطق جهان بوده است و البته نیز شاید وجود دو مسجد «سهله» و «کوفه» که دارای شرافتی بس عظیم‌اند، در این برپایی عدل نقش داشته باشد. مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی عج، شهر تاریخی کوفه است که در آن زمان، وسعت زیادی خواهد یافت؛ به گونه‌ای که شهر نجف را -که در چند کیلومتری کوفه است- نیز شامل می‌شود. به همین دلیل، در بعضی روایات «کوفه»، و در بعضی دیگر «نجف» به عنوان «مرکز حکومت» نام برده شده است.

امام صادق عج در ضمن روایتی طولانی می‌فرماید: «مرکز حکومت او (حضرت مهدی)، شهر کوفه خواهد بود و محل قضاوت ایشان مسجد کوفه است»^۳.

افزون بر روایات یاد شده که مرکز حکومت آن حضرت را «کوفه» ذکر کرده‌اند، به گونه‌ی مشخص به منزلگاه آن حضرت نیز اشاره شده است. روایاتی نیز به طور عمده، «مسجد سهله» را منزل آن حضرت معرفی کرده‌اند. امیرمؤمنان، علی ع هنگام ترسیم خط سیر حرکت حضرت ولی عصر عج در آستانه ظهور، فرمودند: «گویی او را با چشم خود می‌بینم که از وادی السلام عبور کرده، به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب زمزمه دارد و خدا را این گونه می‌خواند: لا اله الا الله حقا حقا»^۴.

امام صادق عج در پاسخ به سؤال یار باوفایشان ابوبصیر که سؤال می‌کند: آیا محل اقامت دائمی حضرت مهدی عج، در مسجد سهله خواهد بود، می‌فرماید: «آری»^۵.

مدت حکومت حضرت مهدی عج

حکومت خوبان که با فرمانروایی امام مهدی عج آغاز می‌شود،



حضرت مهدی

عجله العالی
فخر البشر

مرحوم علامه مجلسی در توجیه تفاوت در مدت حکومت حضرت، می‌فرمایند: «روایاتی را که درباره‌ی احتمال‌های زیر توجیه کرد: برخی روایات به تمام مدت حکومت اشاره می‌کند و برخی، بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی مطابق سال‌ها و روزهایی است که ما با آن آشنا هستیم و بعضی مطابق سال‌ها و ماه‌های روزگار حضرت است که طولانی می‌باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است»^{۱۰}.

این نکته نیز نباید مورد غفلت واقع شود که پایان حکومت حضرت مهدی علیه السلام به معنای پایان عمر دنیا نیست، بلکه با رجعت امامان علیهم السلام، حاکمیت عدل و دین پس از ایشان به وسیله‌ی سایر امامان معصوم علیهم السلام دنبال می‌شود. بنابراین بین مدت حکومت حضرت با مدت دوره‌ی حاکمیت عدل الهی که تا پایان عمر دنیا به طول می‌انجامد، تفاوت است. ضمن این که این مدت از نگاه چگونگی بهره‌مندی انسان‌ها از همه‌ی نعمت‌های مادی و معنوی خداوند، با همه‌ی تاریخ زندگی انسان بر زمین، برابری خواهد کرد؛ بلکه افزون‌تر خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) سوره آل عمران، آیه ۹.
- (۲) سنن ابی داوود، ج ۴۲۸۲.
- (۳) الغیبه، محمد بن حسن طوسی، ص ۱۸۲.
- (۴) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.
- (۵) طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۳.
- (۶) بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵، ح ۳.
- (۷) شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.
- (۸) المهدی، سید صدرالدین صدر، ص ۲۳۹، تاریخ مابعدالظهور، سید محمد صدر.
- (۹) الغیبه طوسی، فصل ۸، ح ۴۹۷، ص ۴۷۴.
- (۱۰) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

تا پایان عمر دنیا ادامه خواهد یافت و دیگر روزگار ظلم و ظالمان تکرار نخواهد شد. خداوند بزرگ، حاکمیت آخرین پیشوای معصومان علیهم السلام را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بشارت می‌دهد و در پایان می‌افزاید: «پس از آن که، مهدی علیه السلام به حکومت قیامت، روزگار (و حاکمیت زمین) را در دست اولیاء و دوستان خود دست به دست خواهد کرد»^۷.

تردیدی نیست که مدت حکومت امام مهدی علیه السلام باید به قدری باشد که امکان تحول جهانی و استقرار عدالت در همه‌ی مناطق عالم وجود داشته باشد، اما با توجه به قابلیت‌های آن رهبر الهی و توفیق و مدد غیبی برای آن حضرت و اصحاب و یاران شایسته‌ای که در اختیار ایشان است و آمادگی جهانی برای پذیرش حاکمیت ارزش‌ها و زیبایی‌ها در زمان ظهور، ممکن است رسالت مهدی موعود علیه السلام در زمانی نسبتاً کوتاه انجام شود؛ جریانی که بشر در طول قرون متمادی از ایجاد آن ناتوان بوده، در کمتر از ده سال اتفاق خواهد افتاد.

روایاتی که مدت حکومت حضرت را بیان می‌کند، متفاوت هستند. بعضی از آن‌ها، مدت حکومت را پنج، هفت، هشت، نه، ده، نوزده، چهل و ۳۰۹ سال ذکر کرده‌اند.

با توجه به تعدد این سال‌ها، پیدا کردن مدت واقعی حکومت از میان این روایات، کاری دشوار است. اما بعضی از علمای شیعه، با توجه به فراوانی و شهرت روایات هفت سال، این نظر را برگزیده‌اند.^۸

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام هفت سال است، ولی هر سال از سال‌های حکومت حضرت، به اندازه‌ی ۱۰ سال از سال‌های ما می‌باشد. امام صادق علیه السلام درباره‌ی مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام می‌فرمایند: «او (حضرت مهدی علیه السلام) هفت سال حکومت می‌کند که برابر هفتاد سال از سال‌های حکومت شماست»^۹.



ماه شعبان المعظم شد تمام از افق کم کم نمایان شد صیام
سفره‌ی شعبان دگر برچیده شد تا هلال ماه رحمت دیده شد

الهی! مهمانی‌ات نزدیک است. اذن دخول چگونه بگیرم، تنها قطره اشکی دارم....
چه کنم دستم تهی است؟ اما می‌آیم که دستم را بگیری.
چه کنم، چشمانم شرمسار نگاه سفره‌ی پر ز محبت توست؟
اما می‌آیم چون می‌دانم که تو بزرگی، آن چنان که در وصف نمی‌گنجی.
چه کنم، لبانم خالی از ذکر توست؟
اما می‌آیم چون می‌دانم که با ماه شیرینت، شکرریز خواهم شد.
چه کنم، قلبم غفلت دارد؟
اما می‌آیم چون می‌دانم بصیرت از آن توست و توئی بصیرت‌دهنده (وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ)^۲

آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد

مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد^۳

آری! بوی بهار می‌آید؛ بهار قرآن، بهار دل‌ها، رمضان.
رمضان، ماه خداست. خداوند در این ماه نه تنها درهای رحمت و مغفرت، بلکه درهای بهشت را گشوده، و بالاتر این که، درهای جهنم را بسته و شیطان را به بند کشیده. مبادا ما شیطان را از بند آزاد کرده و درهای جهنم را به روی خود بگشائیم!
خداوند مَنّان اطاعت و عبادت خود را در این ماه، خاص گردانیده و بهای آن را نیز خاص و دوچندان قرار داده تا آن‌جا که خواب روزه‌دار را عبادت محاسبه می‌کند. نماز واجب او را ۷۰ برابر ثواب، و ثواب قرائت یک آیه‌ی قرآن را، برابر با ثواب یک ختم قرآن قرار می‌دهد.^۴ پس این ماه را قدر بدانیم.
الهی! امیدمان تنها به درگاه توست، به مهمانیت، به صفایت و بسی خوشحالیم که میزبان مان تویی و هیچ غمی نداریم

پی‌نوشت‌ها:

(۱) سوره شوری، آیه ۱۱

(۲) سوره شوری، آیه ۱۱.

(۳) غزلیات دیوان شمس، مولوی.

(۴) مفاتیح‌الجنان، فضیلت ماه مبارک رمضان.

مرد لطیفه‌گو

مرد لطیفه‌گویی از دوستان امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود. مدتی نزد آن حضرت نیامده بود. روزی، خدمت امام (علیه السلام) رسید.

حضرت پرسیدند: «چگونه صبح کردی؟ (حالت چطور است؟)»

گفت: یا بن رسول الله! حال من برخلاف آن چیزی است که خودم و خدا و شیطان آن را دوست می‌داریم.

امام (علیه السلام) خندیدند و فرمودند: «چطور؟ توضیح بده!»

گفت: خداوند می‌خواهد او را اطاعت کنم و معصیت کار نباشم. اما من چنین نیستم. و شیطان دوست دارد خدا را معصیت کرده و به دستوراتش عمل نکنم ولی من این‌طور هم نیستم. و خودم دوست دارم همیشه در دنیا باشم، این چنین هم نخواهد بود و روزی، از دنیا خواهم رفت.

ناگاه شخصی برخاست و گفت: یا بن رسول الله! چرا ما مرگ را دوست نداریم؟ امام (علیه السلام) فرمودند: «به خاطر این که شما آخرت خود را ویران و این دنیا را آباد کرده‌اید، بدین جهت دوست ندارید از جای آباد، به جای ویران بروید.»^۱

میان‌روی در زندگی

علاء بن زیاد یکی از ارادتمندان ثروتمند علی (علیه السلام) در بصره، بیمار

بود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عیادت او رفتند. زندگی وسیع و اتاق‌های مجلل و بزرگ، توجه امام (علیه السلام) را به

خود جلب کرد. معلوم بود علاء در زندگی زیاده‌روی کرده است.

فرمودند:

«ای علاء! تو خانه‌ای به این بزرگی را در دنیا برای چه می‌خواهی؟ در صورتی که تو در آخرت، به چنین خانه‌ای محتاج‌تری؟! (زیرا که در این خانه بیش از چند روز نمی‌مانی و در آن خانه (خانه‌ی آخرت) همیشه خواهی بود). اگر بخواهی در آخرت

نیز چنین خانه‌ی وسیعی داشته باشی، در این خانه، مهمان‌نوازی کن، صله‌ی رحم به جای آور و حقوق الهی برادران دینی را

بپرداز. اگر این کارها را انجام دهی، خداوند به شما در جهان دیگر، مانند همین خانه را می‌دهد.

علاء عرضه داشت: دستور شما را اطاعت خواهم کرد. سپس عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! من از برادرم عاصم شکایت دارم! حضرت فرمودند: برای چه؟ مگر چه کرده است؟

علاء در پاسخ گفت: لباس خشن پوشیده، از دنیا کناره‌گیری نموده است. به‌طوری که زندگی را بر خود و خانواده‌اش تلخ کرده.

حضرت فرمودند: او را نزد من بیاورید.

عاصم را آوردند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) چون او را دیدند، چهره در هم کشیدند و فرمودند: ای دشمن جان خویشتن! شیطان عقلت را برده و تو را به این راه کشانده است، از اهل و عیالت خجالت نمی‌کشی؟ چرا به فرزندت رحم نمی‌کنی؟ گمان می‌کنی

خدایی که نعمت‌های پاکیزه را بر تو حلال کرده، نمی‌خواهد تو از آن‌ها استفاده کنی؟ تو در پیشگاه خداوند، کوچک‌تر از آنی

که چنین اندیشه‌ای را داشته باشی.

عاصم گفت: یا امیرالمؤمنین! چرا شما به خوراک سخت و لباس خشن اکتفا نموده‌اید؟ من از شما پیروی می‌کنم.

فرمودند: وای بر تو! من مانند تو نیستم، من وظیفه‌ای دیگر دارم، زیرا من پیشوای مسلمانان هستم، من باید خوراک و پوشاک خود را تا آن حد پایین بیاورم که فقیرترین مردم در دورترین نقاط حکومت اسلامی، تلخی زندگی را تحمل کنند. با این

اندیشه که بگویند: رهبر و پیشوای من هم، مانند من می‌خورد و مانند من می‌پوشد. این وظیفه‌ی زمامداری من است. تو هرگز چنین تکلیفی نداری.

پس از سخنان حضرت، عاصم لباس معمولی پوشید و به کار و زندگی پرداخت.^۲

پی‌نوشت:

(۱) بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۱۰.

(۲) بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۳۶ و ج ۴۱، ص ۱۲۱.

نام کتاب: داستان‌های بحار الأنوار، جلد ۴، مؤلف: محمود ناصری.



در روابط همسران، گاهی مشکلاتی به وجود می‌آید که زندگی را سخت و عذاب‌آور می‌کند و هیچ‌یک از طرفین متوجه نمی‌شوند که علت مشکلات چیست؟ برخی علت این مسائل را به دخالت دیگران در زندگی مشترک خود، حسادت دیگران، بدشانسی و ... نسبت می‌دهند. بنابراین ممکن است احساس کنند که باید بسوزند و بسازند، و یا سعی کنند که توجه خود را به مسائل دیگر معطوف نمایند.

اما برای داشتن یک زندگی آرام و متعادل، راه‌حل‌های بسیاری وجود دارد؛ از جمله این که علل و عوامل آسیب‌زا را شناسایی کرده و در رفع این عوامل بکوشیم. در این نوشتار، برخی از این عوامل آسیب‌زا را معرفی می‌کنیم:

آسیب‌های تأثیرگذار بر روابط همسران

۱- مقایسه کردن

مقایسه‌ی همسر با افراد دیگر به‌ویژه قهرمان داستان‌های تخیلی و فیلم‌های تلویزیونی که زندگی مشترک بدون دغدغه را به تصویر می‌کشند، منجر به نارضایتی از زندگی مشترک شده و این نارضایتی به صورت انتقاد از همسر و تحقیرهای مستقیم و غیرمستقیم او می‌شود. گاهی فرد، همسر خود را با افراد دیگر مقایسه می‌کند بدون این که متوجه شود که تا چه اندازه این مقایسه ناعادلانه است. چرا که در این مقایسه، فقط جنبه‌های مثبت و آشکار دیگران را به رخ همسر خود می‌کشد و توجهی به این موضوع ندارد که آن فرد ویژگی‌های غیرآشکار دیگری هم دارد که مورد قبول نیست. هرگز همسر خود را با کسی دیگر مقایسه نکنید. بلکه سعی کنید به او به عنوان یک فرد با ویژگی‌های منحصر به فرد نگاه کنید و روی

خصوصیت‌های مثبت او تمرکز کنید. زندگی در این دنیا برای هیچ کس کامل نیست. بدون شک، زندگی «داشته‌ها» و «نداشته‌ها»ی فراوانی دارد. اگر انسان به داشته‌های خود توجه کند و از آن‌ها لذت ببرد، راحت‌تر می‌تواند نداشته‌ها را تحمل کند. اما اگر کسی داشته‌های خود را نبیند، زندگی را یکسره محرومیت می‌داند و در آن، هیچ نقطه‌ی امیدی نمی‌یابد و همه‌ی زندگی، یکپارچه برای او سختی و تلخی است و واقعاً چنین زندگی‌ای را نمی‌توان تحمل کرد. لذا بردباری نیز از میان می‌رود و فرد، توان تحمل سختی‌ها را نخواهد داشت!

۲- انتظارات غیرواقعی

«کاش همسر من خوش‌قیافه‌تر بود»
«کاش همسر من پولدارتر بود»
«کاش همسر من همه‌ی حرف‌های من را قبول می‌کرد»
و هزاران کاش‌های دیگر!
صرف انرژی زیاد برای فکر کردن در مورد کاستی‌های همسر خود باعث خواهد شد که شما نتوانید در مورد خصوصیت‌های مثبت و جالب همسران توجه کنید؛ خصوصیت‌هایی که دیگران ممکن



است آرزو کنند که کاش همسر آن‌ها داشت. برای رها شدن از این انتظارات غیرواقعی و افکار منفی، سعی کنید روی خصوصیت‌های مثبت همسران تمرکز کنید و به آن‌چه او دارد، فکر کنید نه به آن‌چه ندارد. مسلماً زمانی که تصمیم به ازدواج با او گرفتید، او خصوصیتی داشت که برای شما جذاب بود. همسر شما هنوز هم آن خصوصیت‌ها را دارد ولی ممکن است شما حالا کمتر به آن‌ها توجه کنید و این باعث نارضایتی شما شده است.

۳- بازی «سرزنش کردن متقابل»

زوج‌ها در اولین بازی، گاهی چنان پیش می‌روند که قادر به پایان دادن آن نبوده و رابطه‌ی آن‌ها تبدیل به یک جنگ مزمز قدرت می‌شود که هر کدام فقط منتظر این هستند که مسئله‌ای پیش بیاید تا بتوانند همسر خود را به خاطر آن سرزنش کنند.

در این بازی هر دو نفر بازنده هستند. چون نه تنها مشکل حل نشده باقی می‌ماند، بلکه با وجود رها کردن موضوع و آشتی ظاهری، دلگیری باقی مانده و ممکن است در یک موقعیت دیگر، به صورت شدیدتر بروز کند. اگر موضوعی پیش آمده که باعث ناراحتی شده، ضروری است در مورد آن با هم صحبت کنید نه این‌که در رفتار آن را نشان دهید.

۴- عدم عزم راسخ در حفظ زندگی مشترک

این عامل، منجر به تسلیم شدن سریع در مقابل مشکلات و درنهایت از دست دادن امید به آینده‌ی رابطه می‌شود. توجه داشته باشید که شما در زندگی مشترکتان سرمایه‌گذاری زیادی انجام داده‌اید و ضروری است تا آن جایی که امکان دارد از آن مراقبت و محافظت کنید. هر مشکلی نه تنها می‌تواند یک راه حل بلکه چندین راه حل مؤثر داشته باشد. سعی کنید مشکل و علل احتمالی آن را خوب شناسایی کنید تا بتوانید راه حل مناسب را انتخاب کنید. اگر احساس کردید به تنهایی از پس یک مشکل خاصی بر نمی‌آیید، حتماً از یک روان‌شناس یا یک مشاور خانواده کمک بگیرید.

۵- عدم گذشت

برخی زوج‌ها به طور مداوم از هم دلگیر بوده و نسبت به هم بغض و کینه دارند. این وضعیت باعث می‌شود که زوج‌ها از هم دور شده و رابطه‌ی آن‌ها سرد شود. اما شما سعی کنید از اشتباهات همسران چشم‌پوشی کنید و او را ببخشید. زیرا بخشش، می‌تواند به تقویت و تحکیم روابط شما کمک کند.

از آن جایی که فلسفه‌ی تشکیل خانواده از منظر دین، آرامش است، برای دستیابی به چنین آرمان بلندی، نیاز به تلاش مداوم داریم تا بتوانیم خانواده‌ای داشته باشیم که هم مورد رضای خدا و رسول ﷺ و ائمه‌ی هدی ﷺ و حضرت مهدی ﷺ باشد و هم باعث آرامش و آسایش خودمان گردد.

منابع:

- تحکیم پیوند زناشویی، جمعی از نویسندگان.
- هنر رضایت از زندگی، عباس پسندیده.



از مجموع این آیات می‌توان فهمید که قرآن کریم در شبی از شب‌های ماه مبارک رمضان که همان «شب قدر» است، نازل شده و این نکته قابل ذکر است که این نزول، **نزول دفعی** بر قلب رسول گرامی اسلام ﷺ است، نه نزول تدریجی که آغاز آن با آغاز بعثت یعنی بیست و هفتم رجب همراه است.

تقدیر امور

در نامگذاری شب قدر بیان‌های مختلفی وارد شده است؛ برخی آن را به معنای شبی با عظمت و بزرگی «لَيْلَةُ الْعِظَمَةِ» گرفته‌اند؛ چرا که «قدر» در قرآن به معنای «منزلت و بزرگی خداوند» آمده. در آیه‌ای می‌خوانیم: «مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ»؛ «قدر ندانستند (و نشناختند) خدا را آن گونه که حق عظمت او بود».

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَةِ عَشَرَ وَالْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ أَحَدَى وَعِشْرِينَ وَالْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ»؛ «تقدیر امور و سرنوشت‌ها در شب نوزدهم، تحکیم آن در شب بیست و یکم، و امضاء آن در شب بیست و سوم صورت می‌گیرد».

و امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «... وَ يُقَدَّرُ فِيهَا مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ مَضَرَّةٍ أَوْ مَنْفَعَةٍ أَوْ رِزْقٍ أَوْ أَجَلٍ وَ لَذَلِكَ سُمِّيَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ»؛ «در آن شب (قدر) آن چه که در سال واقع می‌شود، تقدیر و اندازه‌گیری می‌شود. از نیکی و بدی و سود و زیان و روزی و مرگ. به همین جهت نیز شب قدر، شب اندازه‌گیری نامیده شده است».

سند امامت

شب قدر، بزرگترین سند امامت و تداوم آن در طول زمان است. در روایات فراوانی، وجود شب قدر را در هر زمانی دلیل لزوم امامت و بقای آن دانسته‌اند. لذا سوره قدر به منزله‌ی شناسنامه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) شمرده می‌شود.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «ای گروه شیعه! با سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» مجادله کنید تا چیره شوید. به خدا سوگند که این سوره، پس از پیامبر خدا ﷺ، حجت خدای متعال بر مردم است و این سوره، سرور آیین شما و نهایت دانش ماست».

سپسی فرمودند: «ای گروه شیعه! با سوره «حم، وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ، إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ»^{۱۰} محاجه کنید که این آیات، ویژه‌ی پیشوایان الهی پس از پیامبر خداست»^{۱۱}.

در بعضی از روایات، از آیات مربوط به شب قدر به عنوان محکم‌ترین دلایل اثبات امامت و تداوم آن نام برده شده است. در این روایات، امامان معصوم (علیهم السلام) به شیعیان توصیه می‌کنند که با منکران امامت و ولایت مناظره کنند و با استدلال به این آیات، بر آن‌ها پیروز شوند.

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: «هر کس از فیض شب قدر محروم گردد، از تمام خیرات محروم شده است و محروم نمی‌ماند از خیرات شب قدر، مگر کسی که (با اعمال خویش) خود را محروم نموده باشد»^{۱۲}.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به ابن عباس فرمودند: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ إِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَ إِنَّ لَذَلِكَ الْأَمْرَ وَلَاَهُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ»؛ «شب قدر در هر سال هست. در آن شب،

شب قدر

شب‌های قدر، اوج معنویت رمضان است. شب‌هایی است که زندگی مؤمن در آن سراسر رنگ خدا می‌گیرد. پله‌ای است که روزه‌دار بر آن می‌ایستد و بر همه چیز غیر خدا پشت می‌کند و در خلوت پر رمز و راز شب با عبودیت محض در پیشگاه خداوند، همه چیز و حتی خود را به فراموشی می‌سپارد. از هر چه زمینی است، می‌برد و با آسمان پیوند می‌خورد و به عبادت خدای یکتا می‌ایستد.

شهید مطهری می‌فرماید: «این ملجم یکی از آن نه نفر زهاد و خشکه مقدس‌هاست که به مکه می‌روند و آن پیمان معروف را می‌بندند و می‌گویند همه‌ی فتنه‌ها در دنیای اسلام معلول ۳ نفر است: حضرت علی (علیه السلام)، معاویه و عمرو عاص. این ملجم نامزد می‌شود که بیاید حضرت علی (علیه السلام) را به شهادت برساند. قرارشان کی است؟ شب نوزدهم ماه رمضان. چرا این شب را قرار گذاشته بودند؟ ابن ابی‌الحدید می‌گوید: نادانی را ببین! این‌ها شب نوزدهم ماه مبارک رمضان را قرار گذاشتند، گفتند چون عمل ما یک عبادت بزرگ است، آن را در شب قدر انجام بدهیم که ثوابش بیشتر باشد»^۱.

از این جا معلوم می‌شود که شب قدر، قبل از شهادت حضرت علی (علیه السلام) هم بوده است.

مراد از «قدر»، تقدیر و اندازه‌گیری است. شب قدر، شب اندازه‌گیری است و خداوند متعال در این شب، حوادث یک سال را تقدیر می‌کند و زندگی، مرگ، رزق و روزی، سعادت و شقاوت انسان‌ها و اموری از این قبیل را در این شب مقدر می‌گرداند. در وصف آن همین بس که «از هزار ماه برتر است»^۲.

نزول قرآن

نزول جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب الهی در این شب بر عظمت و منزلت آن افزوده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ»؛ «به راستی آن [قرآن] را در شبی پربرکت نازل کردیم».

این آیه، گویای این مطلب است که قرآن کریم یکپارچه در یک شب مبارک نازل شده است. در جایی دیگر می‌فرماید:

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»؛ «ماه مبارک رمضان، ماهی است که در آن قرآن نازل شده است».

این آیه گویای این مطلب است که تمام قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است. و هم‌چنین در سوره قدر می‌فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»؛ «به حقیقت ما آن [قرآن] را در شب قدر فرو فرستادیم».

برنامه‌ی سال، فرود می‌آید و پس از پیامبر خدا ﷺ کسانی هستند که آن برنامه بر عهده‌ی آن‌هاست.

ابن عباس پرسید: آنان چه کسانی هستند؟

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: «من و یازده نفر از نسل من، پیشوایانی محدث هستند که از عالم غیب با آنان سخن گفته می‌شود».^{۱۳}

بخشش گناهان

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته‌ی شب قدر، بخشش گناهان و عفو عاصیان و مجرمان است. لذا باید تلاش نمود تا این فیض عظمای الهی شامل حال انسان شود. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «هر کس شب قدر را احیاء بگیرد، گناهانش آمرزیده می‌شود؛ اگرچه گناهانش به تعداد ستارگان آسمان و سنگینی کوه‌ها و پیمانه‌های دریا باشد».^{۱۴}

برای احیاء شب قدر و اهمیت دادن به دعا و راز و نیاز با معبود در این سه شب، امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند:

«هر کسی شب ۲۳ ماه رمضان را احیاء بگیرد و صد رکعت نماز در آن شب بخواند، به این برکات نائل می‌شود:

۱- توسعه‌ی اقتصادی، ۲- برداشته شدن ترس از سؤال نکیر و منکر در عالم قبر، ۳- نامه‌ی عملش را به دست راستش می‌دهند. ۴- آزادی از جهنم برایش نوشته می‌شود. ۵- عبور از صراط و امنیت از عذاب جهنم برایش ثبت می‌شود. ۶- بدون حساب وارد بهشت می‌شود. ۷- در کنار پیامبران و راستگویان و شهداء و درستکاران قرار می‌گیرد و اینان خوب رفیقانی برایش هستند».^{۱۵}

شب قدر، شب اتصال به قطب عالم امکان است. شب قدر، شب آشتی با امام است و قول و قراری دوباره که از مسیر مستقیم

منحرف نشویم و راه را گم نکنیم. شب قدر، شب خواستن تمام خوبی‌هاست. شب قدر، شب درخواست اللهمَّ عَجِّلْ لوليک الفرج است. بکوشیم ولی زمان خود حضرت صاحب‌الأمر (علیه السلام) را از کردار و گفتار خویش راضی نگه داشته و با اعمال خود، قدمی در تعجیل ظهور موفورالسرورش برداریم. ان شاء الله

پی‌نوشت‌ها:

(۱) مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۶۱۲.

(۲) سوره قدر، آیه ۳.

(۳) سوره دخان، آیه ۳.

(۴) سوره بقره، آیه ۱۸۵.

(۵) سوره قدر، آیه ۱.

(۶) تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، ص ۲۷۵؛ مجمع‌البیان، ابوعلی طبرسی، ج ۱، ص ۵۱۸.

(۷) سوره حج، آیه ۷۴.

(۸) وسائل‌الشیعه، حرّ عاملی، دار‌الاحیاء التراث، ج ۷، ص ۲۵۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۸۷.

(۹) عیون أخبار‌الرضا، ج ۲، ص ۱۱۶.

(۱۰) سوره دخان، آیات ۳ - ۱.

(۱۱) کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

(۱۲) اصول کافی، شیخ کلینی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، ج ۱، ص ۳۶۴-۳۶۳.

(۱۳) کافی، ج ۱، ص ۵۳۲.

(۱۴) بحار‌الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۶۸.

(۱۵) همان.



در سایه سار معرفت

دعای فرج

بهترین کار برای به هلاکت نیفتادن در آخرالزمان، دعای فرج امام زمان (عج) است؛ البته دعای فرجی که در همه‌ی اعمال ما اثر بگذارد.



صلوات و دعا‌های دیگر

ترک صلوات و دعا کردن به دعا‌های شخصی، مانند رها کردن سرچشمه و به دنبال جوی آب و یا حوض گشتن است. زیرا وقتی برای وسعت مقام و درجه‌ی واسطه‌ی فیض (امام زمان (عج)) دعا می‌شود، دعا‌های شخصی هم در آن گنجانده شده است.



بهترین ذکر در شدائد و گرفتاری‌ها

در شدائد و گرفتاری‌ها، بهترین ذکر این است که از پیامبر (ص) به ما رسیده که فرمودند: «أَمَّا لَأَمْتِي أَمَّنْ أَلْهَمَ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجَا مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ؛ این سخن ایمنی از ناراحتی برای امت من است که: هیچ دگرگونی و نیرویی جز به خداوند والا و بزرگ تحقق نمی‌یابد و هیچ پناهگاه و جایگاه نجاتی از خدا، جز به سوی خدا نیست»^۱.

* برگرفته از کتاب: نکته‌های ناب آیت‌الله العظمی بهجت، رضا باقی‌زاده.

پی‌نوشت:

(۱) من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۱.

برتر از تشرّف به خدمت امام زمان (عج)

لازم نیست که انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر (عج) تشرّف حاصل کند. بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز، و سپس توسل به ائمه (عج) برای او بهتر از تشرّف باشد. زیرا آن حضرت می‌بیند و می‌شنود و عبادت در زمان غیبت، افضل از عبادت در زمان حضور است و زیارت هر کدام از ائمه‌ی اطهار (عج) مانند زیارت حضرت حجت (عج) است.



اگر در راه امام زمان (عج) باشیم ...

اگر ما مانند حضرت مهدی (عج) به اندازه‌ی توان خود در هدایت مردم تلاش و کوشش کنیم، آیا امکان دارد که مورد عنایت «عَيْنُ اللَّهِ النَّاظِرَةِ» (چشم بینای خداوند) امام زمان (عج) نباشیم؟ اگر در راه آن حضرت باشیم، چنان چه به ما بد و ناسزا هم بگویند و یا ما را مسخره نمایند، نباید ناراحت شویم. بلکه هم‌چنان باید در راه حق ثابت‌قدم و استوار بوده و در ناملاپمات، صبر و استقامت داشته باشیم.



چه کار کنیم محیط خانه گرم و باصفا باشد؟

ما اگر بخواهیم محیط خانه گرم و باصفا و صمیمی باشد، فقط باید صبر و استقامت و گذشت و رأفت را پیشه‌ی خود کنیم تا محیط خانه گرم و نورانی باشد و اگر این‌ها نباشد، اصطکاک و برخورد پیش خواهد آمد و همه‌ی اختلافات خانوادگی از همین جا ناشی می‌شود.



آیا کودک من بیش فعال است؟

- اعضای خانواده و مدرسه با همکاری هم باید قوانین را رعایت کنند و پای بند باشند.

- این کودکان در انجام کارهای روزمره خود باید برنامه‌ریزی کاربردی داشته باشند. چون در اولین فرصت که بیکار شوند و یا برنامه‌ای برای انجام نداشته باشند، تحرک جسمی‌شان شروع می‌شود.

- دستورالعمل‌ها کوتاه، ساده و قابل انجام باشند و در حد صبر و حوصله کودک باشد.

- هر دو والدین همسان و هماهنگ رفتار کنند و مسائل تربیتی را با توافق هم به کار گیرند تا بچه‌ها گیج و سردرگم نشوند.

- تذکر، تنبیه، گوشه‌های بیش از اندازه و سختگیری افراطی باعث بدتر شدن رفتارشان خواهد شد.

- فعالیت‌های بدنی مانند ورزش مورد علاقه‌ی کودک و نوجوان از انرژی آنان می‌کاهد اما بهتر از آن، بازی‌های فکری است منتهی با رعایت زمان‌بندی در حد توان کودک.

- تشویق و روش‌های اصلاح رفتار در بهبود عملکردهای این کودکان بسیار مؤثر است.

* البته به جز راهکارهای ارائه شده در مورد رفتار با کودک بیش فعال، راه‌های درمانی دیگری نیز وجود دارد مانند:

دارودرمانی، رفتاردرمانی، اصلاح تغذیه، درمان نوروفیدبک و حتی بازی‌درمانی.

- کودکان بیش فعال از نظر تغذیه باید استفاده از شکلات، قهوه، کاکائو، نسکافه، فست‌فودها و نوشابه‌ها و هر خوراکی تند و ترش و مواد غذایی کافئین‌دار و همچنین محصولات که مواد نگهدارنده و افزودنی دارند را بسیار محدود کنند و در عوض، از ماهی‌ها، ویتامین B کمپلکس شامل حبوبات، نان، برنج، لبنیات، گوشت، تخم‌مرغ، سبزیجات و انواع میوه استفاده کنند.

- در روند درمان بیش فعالی بیشتر از همه، کاردرمانی و سپس دارودرمانی، بیشترین اثر را دارند.

این نکته را مدنظر داشته باشید که خیلی از اوقات، علت اصلی ناآرامی و جنب‌وجوش زیاد کودک شما، بالا بودن بهره‌ی هوشی او و عدم پاسخگویی به کنجکاوی‌های او در محیط است. در این صورت، باید به موضوع از نگاهی متفاوت پرداخت.

منبع:

- کتاب «نقش مادر در تربیت فرزند»، معصومه کمالی.

- مجله «مادران و نوزادان»، شماره ۲، دیماه ۹۱.

- کتاب «بازی، بازی تربیت»، محسن عباسی ولد.

بیش فعالی یا «ADHD» به حالتی گفته می‌شود که در آن، کودک بیش از اندازه فعال و پرجنب‌وجوش است و نقص در تمرکز با اختلال بیش فعالی را برای کودک ایجاد می‌کند که او نمی‌تواند آرام و بدون حرکت بنشیند، زیرا در کنترل رفتارش ناتوان است.

از علائم کودک بیش فعال، پرتحرکی، کمبود توجه و رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی است؛

- درواقع بیش فعالی موجب می‌شود که در مهد یا در مدرسه، مرتب تکان بخورد و در حال راه رفتن باشد.

- بازی‌های فکری برایش بسیار خسته‌کننده است و معمولاً نیمه‌کاره رها می‌کند.

- اغلب، حوصله‌ی نقاشی ندارد و طراحی می‌کند و بیشتر بدون رنگ‌آمیزی است.

- مهمترین ویژگی این کودکان در یادگیری، نداشتن تمرکز است.

- گاه بی‌اجازه یا با اجازه صحبت می‌کنند و اکثراً پرحرف‌اند.

- آزار دادن دیگران و ناآرامی در ارتباط با دوستان نیز در کودکان بیش فعال زیاد دیده می‌شود.

- علاقه به کارهای خطرناک و اشیاء پرخاطر و رفتارهای بی‌پروا نیز از خصوصیات آنان است.

- برای نوبت، صبر نمی‌کنند و صف گرفتن و نشستن برایشان دشوار است.

- آن‌ها از فعالیت‌هایی که نیاز به تمرکز دارد، شانه خالی می‌کنند و پاسخ‌هایی ناگهانی و بدون فکر برای پرسش‌ها دارند.

- عدم توانایی در بی‌سروصدا بازی کردن، بی‌دقتی فراوان و همچنین گم کردن وسایل ضروری هم از دیگر مشخصات کودک بیش فعال است.

درمان

* اولاً والدین باید بیش فعالی را بشناسند و نسبت به آن آگاهی و شناخت پیدا کنند.

* در گام بعدی، والدین در صورت مشاهده‌ی علائم بهتر است با یک روان‌پزشک یا روان‌شناس مشورت کنند و در صورت حصول اطمینان از وجود این نقص، پذیرش این امر را داشته باشند.

باید در محیط خانه ثبات و پایداری حاکم باشد. تنش در خانه و عوامل برهم‌زننده‌ی آرامش، باعث حرکات تکانشی کودک بیش فعال می‌شود. درواقع اگر در محیط خانه و یا مدرسه قوانین ثابتی برقرار باشد، کودک خود را با آن قوانین بهتر وفق می‌دهد.

- تعداد قوانین باید کم باشد تا کودکان از انجام آن ناامید و خسته نشوند.



منجی در مسیحیت: بنا بر اعتقاد مسیحیان، آخرین نجات‌دهنده و تسلی‌دهنده، همان عیسی مسیح است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان سراسر فساد و تباهی را، نجات خواهد داد.

«منجی» در اسلام

اصل موضوع مهدویت و ظهور حضرت مهدی عج در آخرالزمان برای برپایی حکومت عدل جهانی، مورد پذیرش همه‌ی فرق اسلامی است. در منابع روایی فریقین، احادیث نبوی مرتبط با این موضوع به طور متواتر ثبت و ضبط شده است. بنابراین در اسلام، مهدویت از اساسی‌ترین آموزه‌های اعتقادی به شمار

در شماره‌های گذشته، به بحث پیرامون منجی در یهود و منجی در مسیحیت پرداختیم؛ گفتیم که منجی در یهود، «ماشیح» نامیده می‌شود و واژه‌ای است عبری که به معنای مسیح (مسح شده با روغن) می‌باشد. این واژه، در ابتدا کارکرد موعودی یا منجی نداشت و صرفاً لقبی برای پادشاه بنی‌اسرائیل بود ولی کم‌کم از اختصاص بیرون آمده و درنهایت به یک واژه‌ی آرمانی و نجات‌بخش تبدیل شد.

انبیاء بنی‌اسرائیل عصر طلایی ماشیح را چنان نیکو تفسیر کرده‌اند که هر انسانی، آرزوی دیدن و زندگی کردن در آن دوره را خواهد داشت. «زمانی که آبادانی به زمین برگردد و عدالت جهانی برقرار و صلح و آرامش همه‌گیر شود».

منجی در ادیان اسلام

می‌رود که ابعاد آن در آیات قرآنی و تعلیمات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه‌ی معصومین ﷺ تبیین شده است.

«منجی» در قرآن

کتاب مقدس مسلمانان (قرآن کریم) نقشه‌ی خداوند برای جهان بشریت را با فرجامی خوش تعبیر می‌کند. جهانی که در آن، حکومت از آن انسان‌های درستکار خواهد بود، جهان از عدالت لبریز خواهد شد و پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها از میان خواهد رفت. قرآن بر حتمی بودن این حادثه در آخرالزمان اشاره دارد.

این موضوع در آیات ۵ سوره‌ی قصص و ۵۵ سوره‌ی نور و آیات فراوان دیگری آمده است. پیام خداوند در قرآن، عام و جهان‌شمول است و به همین جهت اندیشه‌ی بیشتر مسلمانان به موعودباوری و منجی‌گرایی گرایش یافته است.

«منجی» در روایات

چنان‌چه گفته شد، اصل موضوع مهدویت و ظهور آخرین حجت الهی، به صورت کلی در آیات قرآن بیان شده است. با این وجود، تبیین و تفسیر این آیات به عهده‌ی پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان معصوم ﷺ است و آنان جزئیات این مسئله را در اخبار و روایات‌شان مطرح فرموده‌اند.

احادیث نبوی ﷺ و روایات رسیده از امامان معصوم ﷺ، مصداق آیات مذکور را بیان کرده و آن را به مسئله‌ی مهدویت و ظهور امام مهدی ﷺ تطبیق داده‌اند.

در این احادیث، هم اصل ظهور آخرین منجی الهی به عنوان یک امر قطعی و اجتناب‌ناپذیر یاد شده که آینده، شاهد آن خواهد بود و هم مصداق آن، شخص امام مهدی ﷺ معرفی شده است.

شخصیت «منجی» در اسلام

بنا بر نظر عالمان مسلمان و بر طبق روایات اسلامی، «منجی» شخصی است که خصوصیات همه‌ی پیامبران در او جمع است. او انسانی کامل است. اما در این‌که چه شخصی است و از نسل کیست، بین فرقه‌های اسلامی اندکی تفاوت وجود دارد.^۱

منابع سنی و شیعه، از او به عنوان مردی از فرزندان فاطمه ﷺ دختر پیامبر اسلام ﷺ، یاد کرده‌اند.^۲

در دیدگاه شیعیان، ایشان در نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هـ.ق و با اختلاف برخی روایات، ۲۵۶ هـ.ق متولد شده است. گروهی از عالمان اهل سنت، به ولادت ایشان در نیمه‌ی دوم قرن سوم هجری اذعان نموده و گروهی نیز ولادت ایشان را انکار کرده‌اند.^۳

نام مشهور ایشان، «مهدی» است. او بنا بر مصالحی، در زمانی خاص از دیده‌ها غایب شده و بعد از فراهم

شدن زمینه‌ها دوباره ظهور خواهند کرد. همان‌گونه که گفته شد، در اصل اعتقاد به مهدی ﷺ و درباره‌ی شخصیت ایشان، تفاوتی بین شیعه و سنی نیست. تنها تفاوت این است که، شیعیان او را امام دوازدهم خود، فرزند بلافصل امام عسکری ﷺ و متولد سال ۲۵۵ هـ.ق می‌دانند؛ درحالی‌که اکثر قریب به یقین اهل سنت، درباره‌ی تولد او و غیبتش بر این باورند که حضرت مهدی ﷺ هنوز متولد نشده و در آینده و به زودی متولد خواهد شد و به آن‌چه پیامبر اسلام ﷺ بشارت داده، جامه‌ی عمل خواهد پوشاند. با این حال، گروهی از اهل سنت در مورد ولادت و غیبت حضرت مهدی ﷺ با شیعه، هم‌عقیده هستند.^۴

عصر طلایی حضرت مهدی ﷺ (برقراری حکومت الهی بر روی زمین)

شیعیان نیز، همانند یهودیان و مسیحیان، بر این باورند که زمان ظهور منجی مشخص نیست و ظهور و قیام حضرت مهدی ﷺ، ناگهانی است و تنها خداوند از زمان آن خبر دارد.^۵ اما مکان ظهور ایشان، بنا بر روایات شیعی، در مکه و در کنار خانه‌ی خدا خواهد بود و مردم در بین رکن و مقام بلای بیعت می‌کنند. در آن هنگام، ندا می‌کند: «بَقِیْتُ اللَّهُ خَیْرُ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ».^۶ و محل حکومت ایشان، شهر کوفه معرفی شده است.^۷ رسالت جهانی حضرت مهدی ﷺ برقراری حکومت الهی در سرتاسر گیتی است؛ حکومتی که پرچم توحید و یکتاپرستی را به اهتزاز درخواهد آورد.

دستاوردهای انقلاب جهانی حضرت

- (۱) زمین از وجود جباران و ستمگران پاک می‌شود؛
- (۲) دین اسلام، حاکمیت جهانی می‌یابد؛
- (۳) عدل در جهان فراگیر می‌شود؛
- (۴) نعمت، ثروت و آبادانی به زمین بازمی‌گردد؛
- (۵) علم و عقل مردم رشد یافته و تکامل پیدا می‌کند.^۸

پی‌نوشت‌ها:

(۱) سنن أبی‌داود، ج ۴، ص ۱۰۷؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۲۸۷.

(۲) سنن أبی‌ماجه، ج ۲؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۴۳.

(۳) تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن ۴، ص ۱۲۷-۱۲۴.

(۴) عصر ظهور، ص ۳۹۱.

(۵) رسالت جهانی مهدی، ص ۲۶۷، به نقل از ینابیع‌الموده، ص ۴۲۸.

(۶) سوره هود، آیه ۸۶.

(۷) بحارالأنوار، ج ۱۳، صص ۱۱۵۸-۱۱۵۹.

(۸) رسالت جهانی حضرت مهدی ﷺ، ص ۱۶۳، به نقل از ینابیع‌الموده، ج ۳، ص ۶۲.



پیامبر ﷺ فرمودند: «کاهو بخورید، زیرا خواب می آورد و غذا را هضم می کند»^۱. چون کاهو به صورت خام مصرف می شود، ویتامین های آن هیچ گونه تغییری نمی کند. در برگ کاهو، مقدار زیادی کلروفیل وجود دارد که باعث افزایش هموگلوبین خون می گردد. کلروفیل علاوه بر این که به جذب و سوخت و ساز مواد غذایی کمک می کند، موجب تحریک و تقویت عضله های قلب، معده و روده می شود.

کاهوی پخته برای ازدیاد شیر نافع است.^۲ آب کاهو سرشار از مواد معدنی و ویتامین هایی مانند A, B, C, D, E, آهن، کلسیم، فسفر، ید، منگنز، روی، مس، سدیم، کلر، پتاسیم و ... است. علاوه بر این، دارای ماده ای به نام «کتوکاربوم» است که اثر مسکن و ضد تشنج داشته و برای افراد عصبی و کم خوابی کاملاً مفید است.^۳



کاهو

کند، زیرا آب پاک کننده است»^۵. خرما، دهان را پاک، معده را تمیز و غذا را هضم کرده، گوش و چشم را تقویت می کند.

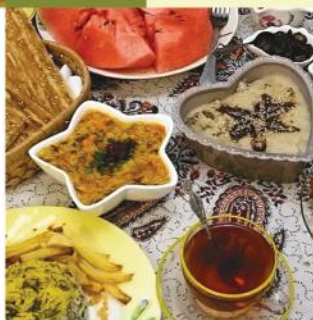
املاح موجود در خرما عبارتند از: پتاسیم، سدیم، کلسیم، منیزیم، آهن، مس، فسفر، گوگرد و کلر.

علاوه بر املاح فوق، خرما دارای ویتامین های A, B, C, E می باشد.^۶

خرما



تغذیه و سلامت



سحری

افطار



* با توجه به ساعات طولانی روزه داری در این ایام، باید غذاهایی را مصرف کرد که به کندی هضم می شوند، مانند: غذاهای حاوی فیبر زیاد.

مواد غذایی دیر هضم عبارتند از: حبوبات و غلات مثل لوبیا، عدس، گندم، جو، آرد، برنج با پوست و کربوهیدرات ها. حلیم نیز یک منبع عالی پروتئین است و از غذاهای دیر هضم به شمار می آید.

* از خوردن چای، قهوه و نوشابه زیاد خودداری کنید؛ چون در عین تأمین آب، اثر دیورتیکی آن ها موجب افزایش ادرار و دفع آب و نمک های معدنی که در طول روز بدن به آن ها نیاز دارد، می شود.

* پر خوری در هنگام سحر نه تنها از احساس گرسنگی در ساعات انتهایی روز جلوگیری نمی کند؛ بلکه در ساعات ابتدایی بعد از سحر، فشار زیادی را به معده و دستگاه گوارش فرد وارد می کند که سبب بروز علائمی نظیر سوء هاضمه، سوزش سر دل، درد و نفخ معده می شود.

پی نوشت ها:

(۱) بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۳۹.

(۲) میوه ها و سبزی های شفابخش، ص ۵۹.

(۳) گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱.

(۴) کنز العمال، ج ۸، ص ۵۲۶.

(۵) همان منبع، ج ۸، ص ۵۰۹؛ طب جامع پیامبر اعظم (ص)، لطیف راشدی، ص ۲۳۲.

(۶) بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۶؛ طب جامع پیامبر اعظم، لطیف راشدی، ص ۱۵۳.

* به جای افطار کردن با آب سرد، از شیر گرم یا چای کم رنگ استفاده کرده، سپس با مصرف چند عدد خرما یا کشمش، اشتهای خود را کنترل کنید.

* خرما، نان و پنیر و گردو یا سبزی، حلیم، سوپ، شیر برنج، فرنی، شیر و عسل یا نان و شیر، از بهترین مواد غذایی برای افطار محسوب می شوند، زیرا سیستم گوارشی را آماده ی فعالیت می کنند.

* بهتر است، افطار و شام با حجم اندک و با فاصله مصرف شود.

* مصرف زیاد آب یا آبمیوه در فاصله ی بین افطار و زمان خواب، باعث تأمین آب مورد نیاز بدن می شود. هم زمان با افطار یا بلافاصله پس از آن، از نوشیدن آب زیاد یا مصرف میوه ها پرهیز کنید؛ چرا که باعث بی حالی، ضعف، سوء هاضمه و درد معده می شود.

* به جای سایر دسرها از سالاد و سبزی خصوصاً همراه شام استفاده کنید تا ضمن رفع عطش، از یبوست نیز جلوگیری شود.

* از مصرف مواد غذایی چرب و تنقلات از افطار تا پایان شب خودداری کنید؛ چرا که موجب سنگینی معده، خواب های آشفته، سوء هاضمه و عدم میل به سحری می شود.

اخبار بنیاد

۱

با عنایت به برگزاری دوره‌های آموزشی مقدماتی و تکمیلی معارف مهدویت (بهشت حضور) در بنیاد؛

این نهاد آماده‌ی ثبت‌نام از عزیزان داوطلب جهت برگزاری دوره‌های بهشت حضور در سال ۹۶ می‌باشد.

متقاضیان می‌توانند جهت ثبت‌نام و شرکت در دوره، با تلفن ۳۷۲۵۵۸۵۱ تماس حاصل نمایند.

۲

«پیک چشمه خورشید» مجله‌ی مهدوی ویژه‌ی کودکان و نوجوانان است که در مقاطع پیش‌دبستانی، ابتدایی و متوسطه‌ی اول آماده شده و هم‌اکنون در حال توزیع می‌باشد. توزیع پیک تا پایان فروردین‌ماه سال ۹۶ ادامه دارد. نواحی ۶۰گانه آموزش و پرورش، ادارات و بهزیستی استان می‌توانند جهت دریافت، به بنیاد فارس مراجعه فرمایند.

۳

تاکنون بالغ بر ۱۰/۰۰۰ نفر از فرهنگیان شاغل و بازنشسته و کارکنان دولت در مسابقه‌ی بزرگ «میثاق با خورشید پنهان» با محوریت کتاب «شرح زیارت آل‌یاسین (۳)» شرکت نموده‌اند.

عزیزان فرهنگی و کارکنان دولت کماکان تا پایان فروردین‌ماه ۹۶ می‌توانند جهت تهیه کتاب و شرکت در مسابقه، به معاونت پرورشی مدارس و ادارات و یا رابطین مهدوی اداره‌ی متبوعه مراجعه فرمایند.

۴

طی دو سال گذشته در زمینه‌ی گسترش فعالیت‌های مهدوی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های موجود در استان به‌ویژه نهادها و سازمان‌های فرهنگی، این بنیاد اقدام به انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری فی‌مابین مجموعه‌های زیر نموده است تا بدین ترتیب زمینه و عرصه در سرتاسر استان پهناور فارس به عنوان پایتخت فرهنگی کشور در امر مبارک توسعه و ترویج فرهنگ مهدویت با همکاری همه‌جانبه بین این بنیاد و تمامی شعب تحت پوشش در سطح استان فراهم آید.

- تفاهم‌نامه‌های منعقد به شرح زیر می‌باشد:
۱. تفاهم‌نامه با صداوسیما مرکز استان فارس
 ۲. تفاهم‌نامه با اداره کل آموزش و پرورش فارس
 ۳. تفاهم‌نامه با پردیس دانشگاه‌های فرهنگیان استان
 ۴. تفاهم‌نامه با سازمان فرهنگی- اجتماعی شهرداری شیراز
 ۵. تفاهم‌نامه با اداره کل بهزیستی استان فارس
 ۶. تفاهم‌نامه با کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره)
 ۷. تفاهم‌نامه با نهاد رهبری در دانشگاه‌ها
 ۸. تفاهم‌نامه با مؤسسه پیشگامان نوین
 ۹. تفاهم‌نامه با معاونت سوادآموزی آموزش و پرورش فارس.

۵

سومین کارگروه تخصصی در سال ۹۴ بین بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) و صداوسیما مرکز فارس با موضوع تصمیم سازی در خصوص توسعه‌ی فعالیت‌های مهدوی در صدا و سیما فارس برگزار گردید.

۶

شعبه‌ی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس در لامرد با حضور مدیرعامل محترم بنیاد در تاریخ ۹۵/۱۱/۹ در این شهرستان افتتاح گردید. در این مراسم که با حضور حجة الاسلام سیدعلی اصغر شهیدی امام جمعه‌ی محترم شهرستان، فرماندار محترم، فرماندهی محترم سپاه ناحیه‌ی لامرد، رئیس و اعضای شورای شهرستان و جمعی از فرهیختگان و مهدی‌یاوران برگزار گردید، جناب حجة الاسلام والمسلمین حدائق طی بیاناتی از اهتمام جدی مردم خونگرم لامرد نسبت به این امر مهم قدردانی به عمل آوردند.

در خلال افتتاح شعبه‌ی بنیاد شهرستان لامرد با حضور حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علیرضا حدائق، جلسات دیگری نیز برگزار گردید که از جمله می‌توان به نشست با خیرین لامرد و سخنرانی در جمع فرهنگیان شهرستان با موضوع «سبک زندگی مهدوی» اشاره نمود.





گزارش عملکرد بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس شهرستان لارستان

این شهرستان از جمله موفق‌ترین شعب بنیاد فارس می‌باشد که با همت حجة الاسلام فاطمیان از سال ۱۳۹۱ فعالیت خود را در عرصه‌ی توسعه و ترویج فرهنگ مهدویت در این خطه خونگرم استان پهناور فارس آغاز نموده و تاکنون منشأ برکات زیادی در این عرصه بوده است.

از جمله فعالیت‌های ایشان می‌توان به :

۱. برگزاری دوره‌های آموزش معارف مهدوی (بهشت حضور)؛
 ۲. برپایی کارگاه‌های آموزشی در حوزه مهدویت جهت مهدی‌یاوران و اعضای بنیاد
 ۳. برگزاری همایش به مناسبت گرامیداشت ایام مبارک دهه‌ی مهدویت و آغاز امامت حضرت ولی عصر علیه السلام؛
 ۴. برپایی اردوهای زیارتی- فرهنگی در مجتمع فرهنگی- آموزشی یاوران حضرت مهدی علیه السلام در جوار مسجد مقدس جمکران در قم.
 ۵. تلاش در راستای برگزاری هرچه باشکوه‌تر مسابقه‌ی «میشاق با خورشید پنهان» ویژه‌ی فرهنگیان و کارکنان دولت و فرزندان ایشان در سطح شهرستان گراش.
- امید است ذکر گوشه‌های کوچکی از فعالیت‌های گسترده‌ی مهدوی در این شهرستان، گویای قدردانی ما از این عزیزان سخت‌کوش بوده باشد.



جلسه‌ی «حلقه‌ی صالحین» ویژه‌ی خواهران در نشر معارف مهدویت



برگزاری کارگاه آموزشی معارف مهدویت



حضور نوجوانان در جشن بزرگ نیمه شعبان



حضور باشکوه مردم در جشن بزرگ نیمه شعبان



اردوی فرهنگی- زیارتی اعضای بنیاد با خانواده به شهر قم و مسجد مقدس جمکران



برگزاری کلاس معارف مهدویت با حضور استاد از شهر مقدس قم

سؤالات مسابقه ۳۲

- ۱- کدام حالت از مشاهده‌ی مداوم برنامه‌های ماهواره‌ای به وجود می‌آید؟
 (الف) اباحه‌گری (ب) بدبینی (ج) مصرف‌گرایی (د) همه‌ی موارد صحیح است
- ۲- چرا نباید همسر خود را با دیگران مقایسه کنیم؟
 (الف) زیرا موجب انتقاد از همسر می‌شود. (ب) زیرا موجب نارضایتی از همسر می‌شود. (ج) زیرا در مقایسه، فقط جنبه‌های مثبت و آشکار دیگران را می‌بینیم. (د) زیرا خود را محروم می‌دانیم.
- ۳- از ارکان مهم ارتباط معنوی و قلبی با امام زمان (عج) کدام مورد است؟
 (الف) معرفت نسبت به امام زمان (عج) (ب) علاقه به ایشان (ج) صدقه دادن برای ایشان (د) همه موارد
- ۴- مقرر حکومت حضرت مهدی (عج) کجاست؟
 (الف) مکه (ب) مدینه (ج) کوفه (د) یمن
- ۵- اجتناب از مصاحبت و همنشینی با افراد بداخلاق، شرور و بدنام، اولین مرحله برای رسیدن به چه خصوصیتی است؟
 (الف) دوستی با خدا (ب) دوستی با امام زمان (عج) (ج) دوستی با ائمه اطهار (ع) (د) تزکیه نفس
- ۶- در احادیث آمده که حضرت مهدی (عج) «منصور بالرب» و «مؤید بالتصر» می‌باشند، منظور چیست؟
 (الف) یعنی حضرت مهدی (عج) مرعوب است. (ب) یعنی حضرت مهدی (عج) تأیید شده است. (ج) یعنی هنگام ظهور، رعب او در دل قدرتمندان می‌افتد و با ملائکه نصرت شده و توسط خداوند تأیید می‌گردد. (د) همه‌ی موارد صحیح است.
- ۷- در روند درمان بیش‌فعالی، کدام روش‌ها بیشترین اثر را دارند؟
 (الف) دارودرمانی، سپس رفتاردرمانی (ب) کاردرمانی، سپس رفتاردرمانی (ج) رفتاردرمانی، سپس کاردرمانی (د) کاردرمانی، سپس دارودرمانی
- ۸- به چه دلیل اندیشه‌ی بیشتر مسلمانان به موعودباوری و منجی‌گرایی گرایش یافته است؟
 (الف) اصل موضوع مهدویت (ب) ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان (ج) عام و جهان‌شمول بودن پیام خداوند در قرآن (د) تبیین و تفسیر آیات مهدوی
- ۹- امام باقر (عج) فرمودند: «ای گروه شیعه، به وسیله‌ی سوره با مردم مناظره کنید تا چیره شوید».
 (الف) توحید (ب) قدر (ج) بینه (د) ناس
- ۱۰- حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «انگیزه‌ی بعثت، و است».
 (الف) نزول وحی و نبوت حضرت پیامبر (ص) (ب) نبوت حضرت پیامبر (ص) و نزول قرآن (ج) نزول وحی و نزول قرآن (د) نبوت حضرت پیامبر (ص) و امامت ائمه معصومین (ع)
- ۱۱- چرا در روایات از ما خواسته شده که در عصر غیبت، به امام زمان (عج) اقتدا کنیم و ایشان را الگوی خود قرار دهیم؟
 (الف) برای نزدیک شدن به امام زمان (عج) (ب) زیرا تجلی تمام زیبایی‌ها را می‌توانیم در مهدویت ببینیم. (ج) برای نزدیک شدن به خدا (د) برای جلب رضایت خدا و امام زمان (عج)
- ۱۲- به تعبیر امام علی (ع)، هر روزی که در آن روز آن روز عید است.
 (الف) خداوند عبادت شود. (ب) معصیت خداوند نشود. (ج) میثاق گرفته شود. (د) پیروزی حاصل شود.
- ۱۳- به فرموده‌ی مقام معظم رهبری در پیام نوروزی، دعای تحویل سال، درس است.
 (الف) اخلاق (ب) بصیرت (ج) تحوّل (د) روحی و معنوی
- ۱۴- جنگ آخرالزمان با مسلمانان به عنوان مقدمه‌ی ظهور مسیح (عج) محسوب می‌گردد.
 (الف) نبرد دائم خیر و شر - صهیونیسم مسیحی (ب) اعراب و اسرائیل - مرگ حیات اممی (ج) خاورمیانه - تبلیغ وسیعی (د) آرماگدون - محور اهریمنی

پاسخنامه

سوال ۱	الف	ب	ج	د
سوال ۲	الف	ب	ج	د
سوال ۳	الف	ب	ج	د
سوال ۴	الف	ب	ج	د
سوال ۵	الف	ب	ج	د
سوال ۶	الف	ب	ج	د
سوال ۷	الف	ب	ج	د
سوال ۸	الف	ب	ج	د
سوال ۹	الف	ب	ج	د
سوال ۱۰	الف	ب	ج	د
سوال ۱۱	الف	ب	ج	د
سوال ۱۲	الف	ب	ج	د
سوال ۱۳	الف	ب	ج	د
سوال ۱۴	الف	ب	ج	د

نام و نام خانوادگی:
 تاریخ تولد: تحصیلات:
 نشانی:
 کد پستی:
 تلفن ثابت: تلفن همراه:

شما می توانید پاسخ مسابقه را به دو صورت برای ما ارسال فرمایید.

۱ ارسال از طریق پست



به آدرس: شیراز، کوی زهرا (ع)، نبش کوچه ۸، روبروی دبستان شهیدان اتحادی، بنیاد و مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس، معاونت فرهنگی

۲ ارسال از طریق پیامک



به شماره ۳۰۰۰۰۳۱۳ به صورت عدد ۱۲ رقمی از چپ به راست به همراه نام و نام خانوادگی

اسامی برندگان مسابقه‌ی شماره ۳۰

- ۱- سرکار خانم فاطمه نوروزی
- ۲- جناب آقای علیرضا پازوکی
- ۳- سرکار خانم ربابه عابدپور حقیقی
- ۴- سرکار خانم طاهره مهرابی



جواب مسابقه شماره ۳۰: ۲۳۳۳۳۳۲۳۴۴۲۴۴۴

آخرین مهلت ارسال پاسخ ها
 ۳۱ خرداد ۱۳۹۶



دلنوشته‌ی برتر

یا رب‌الحسین بحق‌الحسین (علیه السلام) إشف صدرالحسین بظهور الحجة مهديا!

دل‌ها په یاد تو می‌تپد و روشنی نگاه منتظران به افق خورشید ظهور توست...
 ای تجلی آبی‌ترین آسمان امید!!
 ای برترین افق برای پرواز پرندگان آرزو!!
 ای منتهای برترین خیال هستی!! ای آرمان همه‌ی چشم‌انتظاران!!
 دنیا نیازمند ظهور توست، و قلب انسان‌ها به شوق زیارت روی دلربای تو می‌تپد.

ای قطب عالم امکان!
 بیا و گرد گام‌هایت را توتبای چشمانمان قرار ده.
 بیا که نوای دل‌انگیز توحیدت را با گوش جان شنواییم.
 مولاجان! بیا...

اللهم عجل لوليک الفرج
 طاهره مهرابی

لطفاً نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را جهت
 پربارتر شدن مجله برای ما ارسال فرمائید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

اشتراک نشریه منجز

اشتراک یکساله (بدون هزینه پست) ۲۰,۰۰۰ تومان

اشتراک یکساله (با هزینه پست) ۲۵,۰۰۰ تومان

شماره حساب بانک ملت ۵۸۲۷۹۱۶۰۸۵

شماره کارت بانک ملت ۶۱۰۴ ۳۳۷۷ ۹۹۵۲ ۲۷۶۶

::: لطفا وجه مورد نظر را به حساب واریز و فیش آن را به همراه فرم بالا به آدرس بنیاد ارسال نمایید :::



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَجَلْ فَرَجَهُمْ

اللَّهُمَّ كُنْ لِلَّهِ وَلِيًّا وَلِخَيْرِ بَرٍّ لَكَ وَلِوَلِيِّكَ

وَلِخَيْرِ عَمَلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِخَيْرِ عَمَلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَلِخَيْرِ عَمَلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِخَيْرِ عَمَلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَلِخَيْرِ عَمَلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِخَيْرِ عَمَلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ





امام خمینی رحمته الله :

امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه و امیدوارم که این انقلاب ما به همه‌ی دنیا و برای همه‌ی مستضعفین، برای نجات همه‌ی مستضعفین به همه‌ی دنیا صادر بشود و همه همان راهی که برای شما هست و غلبه کردید بر دشمن اسلام و دشمن ملت، مستضعفین هم غلبه کنند بر مستکبرین.